



الکتاب

جاذبه مغناطیس حسینی



اربعین جاذبه مغناطیس حسینی

تهیه‌کننده: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)
به سفارش:

نویسنده:	سیدرضی سیدنژاد
ناظر علمی:	ابوالقاسم بخشیان
ناظر نهایی:	حمید نگارش
ناظر سازمانی:	علی حمیدی
سرپرستار:	حسین قاسم‌حمزه
ویراستار:	اشرف قوامی
وآپایش نهایی:	عبدالرحمن حیاتی‌اصل

ناشر:	زمزم هدایت
صفحه‌آرا:	روح‌الله جلالی
طراح جلد:	رضا پارسای
ناظر چاپ:	محسن مصباح‌فر

چاپ:	مرکز چاپ سیاه
نوبت:	اول / ۱۴۰۱
شمارگان:	۲۰۰۰

آدرس: قم، خیابان شهیدان فاطمی (دورشهر)،
نیش کوچه ۳، پلاک ۸۱
تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۳۰۷۳۵ / همراه: ۰۹۱۲ ۲۵۳ ۲۸ ۸۷

حقوق مادی و معنوی چاپ و نشر
برای انتشارات زمزم هدایت محفوظ است.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۷
مفهوم اربعین.....	۱۱
الف) اربعین در لغت.....	۱۱
ب) اربعین در اصطلاح.....	۱۷
پ) اربعین در فرهنگ شیعه.....	۱۸
حوادث تاریخی اربعین (واقعه اربعین).....	۲۳
الف) نخستین زائر اربعین.....	۲۷
فلسفه یادآوری اربعین.....	۳۵
اعمال و آداب روز اربعین.....	۴۱
الف) غسل اربعین.....	۴۱
ب) خواندن نماز.....	۴۳
پ) دعا.....	۴۳
ت) ذکر و تسبیح.....	۴۵
ث) حضور در کنار قبر امام حسین <small>علیه السلام</small> و بوسیدن ضریح..	۴۷
ج) زیارت وداع اربعین.....	۴۷
چ) زیارت اربعین.....	۵۱
ویژگی ها و آثار زیارت اربعین.....	۶۳
الف) فضیلت زیارت اربعین.....	۶۳

- ب) پیام‌ها و درس‌های زیارت اربعین (مروری بر
 فrazهای مهم زیارت اربعین) ۷۰
- مروری بر اعتقادات مهم تشیع ۷۱
- معرفی و ترسیم سیمای اباعبدالله الحسین علیه السلام ۷۵
- تولی نسبت به سیدالشهدا علیه السلام ۷۷
- بیان فلسفه قیام امام حسین علیه السلام ۸۰
- توصیف ویژگی‌های دشمنان سیدالشهدا علیه السلام و
 اهداف پلید آنها از جنایت کربلا ۸۷
- تبری از دشمنان سیدالشهدا علیه السلام ۸۹
- ضرورت پیروی از امام و الگو قرار دادن او در زندگی ۹۳
- زنده نگه داشتن روحیه جهاد و شهادت ۹۵
- پ) آثار زیارت اربعین ۹۷
- کتابنامه ۱۰۵**

پیشگفتار

در طول حیات پرفرازونشیب بشری، همواره انسان‌هایی درخشیده‌اند که با پرتوافکنی تابناک خویش، دیگر انسان‌ها را از ظلمت، جهل، تعصب و تباهی‌ها رهانیده‌اند. موج اندیشه‌های روشن‌چنین انسان‌هایی گاه محدود و محصور در دوره‌ی زمانی گذشته بوده و پس از مدتی، روبه نابودی نهاده است. گاهی نیز این اندیشه‌ها قلمرو زمان و مکان را درنوردیده و جاودانه و پویا مشعل‌دار مسیر همه‌ی انسان‌ها شده است. بی‌تردید در فهرست این راهنمایان و چراغ‌داران راه هدایت و روشنایی، نام امامان حق و عدالت و اوصیای پیامبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ بر قلعه‌های بلند این کوه عظمت و بزرگی، می‌درخشد و همه‌ی ستایشگران و اهل قلم و بیان از وصف جمال و کمال این اولیای راستین آل‌الله عاجزند.

این قافله سالاران علم، پاکی، نور و هدایت متعلق به عالم بشریت هستند و مقتدا و راهبر همه آزاداندیشان و پاک‌طینتان و حق‌جویان‌اند. یکی از این چراغ‌داران هدایت و انسان‌های ملکوتی تربیت‌شده در دامن رسالت و نبوت و مکتب و حیانی نبوی و علوی، حضرت حسین بن علی علیه السلام است؛ آن انسان ملکوتی‌ای که به حیات معنا بخشید و تجسم جلوه جمال و جلال الهی شد. بزرگ‌مردی که جانشین پیامبران و جلوه‌گر حقیقت ولایت و ظهور آن است. هم‌نیایش او مثال‌زدنی و بی‌مانند است که دعای عرفه او را با هیچ‌سنگه‌ای از عارفانه‌های بشری نمی‌توان سنجد و حماسه جاوید او بی‌مانندترین جلوه احسان، جهاد در راه خدا و عشق و دلدادگی و شجاعت و تدبیر است که برای همیشه، اسلام را جاودانه ساخته است.

یکی از شعائر اسلام، برنامه و مراسم پرفیض معنوی و تربیتی اربعین امام حسین علیه السلام در بین شیعیان و انسان‌های آزادی‌خواه جهان بوده که از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و آیین و

آداب خاصی دارد. بر همین اساس، یکی از کتاب‌هایی که پاسخ‌گوی بخشی از نیاز رهپویان این مسیر معنوی و تربیتی است، کتاب اربعین؛ جاذبه مغناطیسی حسینی است که شامل مباحثی از جمله اربعین و حوادث تاریخی آن، فلسفه یادآوری اربعین، اعمال روز اربعین مانند زیارت اربعین، فضیلت و آثار آن است. چنان‌که مقام معظم رهبری دامت‌تعالی فرموده است: «شروع جاذبه مغناطیسی حسینی در روز اربعین است.»^۱

پیشنهادها و تجربه‌های مربیان ارجمند و متربیان گرامی راهگشا و مشوق ما در برطرف کردن کاستی‌های متن‌های آموزشی خواهد بود. از همه خوانندگان ارجمند انتظار می‌رود دیدگاه‌های ارزشمند خود را درباره این کتاب، به نشانی رایانامه (سراج اندیشه) ارسال کنند تا در چاپ‌های آینده از آنها استفاده شود.

۱. بیانات امام خامنه‌ای دامت‌تعالی در دیدار با بسیجیان، ۱۳۹۵/۹/۳، دسترسی

در پایان بر خود لازم می‌دانیم از نویسنده محترم متن، جناب حجت الاسلام سیدرضی سیدنژاد، ناظر علمی آن جناب آقای ابوالقاسم بخشیان، و رئیس محترم پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام حجت الاسلام والمسلمین حمید نگارش؛ و دیگر دست‌اندرکاران تهیه این اثر، صمیمانه تشکر کرده، توفیقات روزافزون ایشان را از خداوند متعال مسئلت نمایم.

اداره برنامه‌ریزی، ارزشیابی
و تهیه متون آموزشی

مفهوم اربعین

الف) اربعین در لغت

اربعین، که واژه‌ای عربی است، در لغت به معنای «چهل» و «چهلیم» است. این اصطلاح در متون دینی، حدیثی و تاریخی فراوان به کار رفته است. واژه اربعین به معنای چهل، در چهار آیه قرآن کریم آمده است:

۱. آیه ۵۱ سوره بقره: «وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ»؛^۱ این آیه به اعتکاف چهل روزه حضرت موسی علیه السلام برای دریافت لوح‌های هفتگانه اشاره دارد؛

۲. آیه ۱۴۲ سوره اعراف: «وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ

۱. «و به یاد آورید هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاردیم، [و او برای گرفتن فرمان‌های الهی، به میعادگاه آمد] سپس شما گوساله را بعد از او [معبود خود] انتخاب کردید؛ در حالی که ستمکار بودید.»

ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ أَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً
 وَ قَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَ أَصْلِحْ وَ
 لَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ»؛^۱ که مانند آیه قبل، به
 اعتکاف حضرت موسی علیه السلام مربوط است؛

۳. آیه ۲۶ سوره مائده: «قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ
 أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ
 الْفَاسِقِينَ»؛^۲ که به محکوم شدن قوم بنی اسرائیل
 به سرگردانی چهل ساله، به دلیل نافرمانی برای
 ورود به ارض مقدس و مبارزه با ساکنان ظالم آن،
 اشاره دارد؛

۴. آیه ۱۵ سوره احقاف: «وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ
 بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلَهُ وَ

۱. و ما با موسی، سی شب وعده گذاشتیم؛ سپس آن را با ده
 شب [دیگر] تکمیل کردیم؛ به این ترتیب، میعاد
 پروردگارش [با او] چهل شب تمام شد و موسی به برادرش
 هارون گفت: «جانشین من در میان قومم باش و [آنها را]
 اصلاح کن و از روش مفسدان، پیروی منما.»

۲. خداوند [به موسی] فرمود: «این سرزمین [مقدس] تا چهل
 سال بر آنها ممنوع است [و به آن نخواهند رسید]، پیوسته
 در زمین [و در این بیابان]، سرگردان خواهند بود و درباره
 [سرنوشت] این جمعیت گنهکار، غمگین مباش.»

فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ^۱؛ که به بلوغ فکری و عقلانی انسان اشاره دارد؛ معروف است بیشتر انسان‌ها در چهل سالگی به مرحله کمال عقل می‌رسند^۲ و بیشتر پیامبران در چهل سالگی به نبوت برگزیده شدند.

در روایات و احادیث نیز بارها عدد چهل

۱. ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است؛ تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ شد، می‌گوید: «پروردگارا، مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی به جا آورم و کار شایسته‌ای انجام دهم که از آن خشنود باشی، و فرزندان مرا صالح گردان؛ من به سوی تو باز می‌گردم و توبه می‌کنم، و من از مسلمانانم.»

۲. محمد مهدی بن مرتضی بحر العلوم، رساله سیر و سلوک، مقدمه و شرح سید محمد حسین حسینی طهرانی، تهران، علامه طباطبایی، ۱۳۹۲، ص ۳۰-۳۱.

به کار رفته است. سفارش به خواندن چهل روزه دعای عهد در صبحگاهان،^۱ حضور یافتن چهل تن در تشییع جنازه مؤمن و گواهی دادن آنها به ایمان و نیکی او،^۲ تصریح به آثار و برکات چهل روزه برخی خوراکی‌ها، گریه چهل روز زمین بر انسان مؤمن،^۳ آثار چهل روزه برخی گناهان مانند پذیرفته نشدن عمل حرام خوار تا چهل روز، ضرورت انجام برخی اعمال و دعاها در چهل

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۳، ص ۹۵.

۲. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «آن‌گاه که مؤمنی بمیرد و چهل مؤمن بر جنازه‌اش حاضر شوند و بگویند خدایا، ما از او چیزی جز خیر ندیدیم و تو بر او از ما داناتری، خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: شهادت شما را قبول کردم و او را آمرزیدم» (محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۲۹).

۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «زمین بر مؤمن بعد از فوت او چهل روز می‌گرید» (میرزا حبیب‌الله هاشمی خوئی، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، ترجمه حسن حسن‌زاده آملی، و محمدباقر کمره‌ای، تصحیح ابراهیم میانجی، تهران، مکتبه‌الاسلامیه، ۱۴۰۰ق، ج ۵، ص ۱۶۵).

روز و... از جمله مواردی است که در منابع دینی از آن سخن به میان آمده است.^۱

در معارف عرفانی نیز، عدد چهل جایگاه ویژه‌ای دارد. چله‌نشینی برای رفع حاجت یا رسیدن به مقام‌های معنوی و عرفانی معروف است. حفظ کردن چهل حدیث،^۲ اخلاص چهل صبح،^۳ کمال عقل در چهل سالگی، دعا برای

۱. ر. ک. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۶۹؛ محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، الخصال، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۳۷-۵۳۸، ۵۴۱ و ۵۴۴.

۲. «هریک از شیعیان ما چهل حدیث را حفظ کند، خداوند در روز قیامت او را فقیه و عالم برمی‌انگیزد و او را عذاب نمی‌کند» (محمدبن حسن حر عاملی، همان، ج ۲۷، ص ۲۹).

۳. ر. ک. محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا^{علیه السلام}، تهران، جهان، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۹؛ محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۲، ص ۱۶. برای نمونه از رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} نقل شده است که: «کسی که چهل روز اعمال خود را خالصانه انجام دهد، خداوند چشمه‌های حکمت و دانش را از قلبش برزبانش می‌گشاید» (محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۱۹۳۰).

چهل مؤمن، چهل شب چهارشنبه و... بسیاری از این نمونه‌ها و موارد است.

همچنان‌که از موارد یادشده برمی‌آید، عدد چهل کاربردهای بسیاری در فرهنگ دینی دارد؛ ولی برخلاف تصور برخی از افراد، استفاده بسیار از عددی دلیل بر تقدس آن نمی‌شود؛ هرچند ناخواسته برخی از این اعداد در طول روزگاران، برای مردم عادی، صورت تقدس به خود گرفته و گاه سوءاستفاده‌هایی هم از آنها می‌شود. این یادآوری، از آن‌روست که برخی از فرقه‌های مذهبی، به‌ویژه آنها که تمایلات باطنی‌گری داشته یا دارند و گاه‌وبیگاه خود را به شیعه نیز منسوب می‌کرده‌اند، و نیز برخی از شبه‌فیلسوفان متأثر از اندیشه‌های انحرافی و باطنی و اسماعیلی، مروج چنین اندیشه‌ای درباره اعداد یا نوع حروف بوده و هستند. در واقع، بسیاری از اعدادی که در نقل‌های دینی آمده، می‌تواند براساس محاسبه‌ای الهی باشد، ولی اینکه این عدد در موارد دیگری هم کاربرد دارد و بدون مستند دینی، می‌توان از آن در موارد دیگر استفاده کرد، پذیرفتنی نیست.

ب) اربعین در اصطلاح

اربعین در اصطلاح رایج در میان مردم، جلسه یادبودی است که به طور معمول، پس از چهل روز از درگذشت فردی تشکیل می‌شود تا بتوانند ضمن هدیه کردن ثواب و بهره‌ای به روح وی، از فراموش شدن نامش جلوگیری کنند. از این رو، با تشکیل جلسات و بیان فضایل و رفتارهای نیک او، نامش را در دل‌ها و خاطره‌ها زنده می‌کنند. این مراسم نه تنها در میان مسلمانان رایج است، بلکه اقوام و مذاهب دیگر نیز مراسمی مانند این دارند. برای نمونه، مسیحیان نیز پس از گذشت چهل روز از درگذشت فرد، در کلیسای خود جلسه‌ای تشکیل می‌دهند و دوباره بر او، نماز جنازه می‌خوانند و همین مراسم را در نیمه سال درگذشت و در پایان آن سال نیز تکرار می‌کنند. یهودیان نیز مراسم عزا و سوگواری را بعد از گذشت سی روز و پس از نه ماه و در پایان یک سال انجام می‌دهند. تمام این تشریفات و مراسم برای این است که اگر وی از بزرگان بوده، برای مردم الگو باشد و یادش ماندگار شود.^۱

۱. سید عبدالرزاق مقرر، سالار کربلا، حسین بن علی علیه السلام، قم، سیدالشهدا علیه السلام، ۱۳۸۲، ص ۵۷۹.

پ) اربعین در فرهنگ شیعه

اربعین در فرهنگ شیعه به چهلمین روز شهادت حضرت حسین بن علی علیه السلام و یاران باوفایش گفته می‌شود که به اتفاق نظر مورخان و دانشمندان روز بیستم صفر است. در این روز، شیعیان به یاد شهادت امام حسین علیه السلام بزرگ‌ترین مراسم سوگواری و عزاداری برپا می‌کنند و به تعظیم شعائر دینی می‌پردازند. از میان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، تنها برای ابوالفضل الحسین علیه السلام مراسم اربعین می‌گیرند؛ بنابراین، می‌توان اربعین را از اختصاصات سیدالشهدا علیه السلام دانست. گزارش‌های تاریخی نیز روشن‌گر این حقیقت است که اربعین پیش از شهادت امام حسین علیه السلام موضوعیت نداشته است و این آیین و زیارت با درایت و کیاست اهل بیت علیهم السلام به‌طور ویژه برای سیدالشهدا علیه السلام و یاران باوفایش طراحی و فرهنگ‌سازی شده است.

از نظر تاریخی و حدیثی، نمی‌توان هیچ پیشینه‌ای برای اربعین و اعمال مربوط به این روز تا پیش از حادثه عاشورا پیدا کرد و این ویژگی و

امتیاز، تنها از آن امام حسین علیه السلام است. بی شک، این تأکید به عزاداری بر حضرت سیدالشهدا علیه السلام به خاطر فلسفه‌های سازنده و تربیتی متعددی مانند زنده داشتن یاد و تاریخ پرشکوه نهضت حسینی، الهام‌بخش روح انقلابی و ستم‌ستیزی، پیوند عمیق عاطفی بین امت و الگوهای راستین، برپایی مجالس دینی در سطح گسترده و آشنا شدن توده‌ها با معارف دینی، پالایش روح و تزکیه نفس، اعلام وفاداری نسبت به مظلوم و مخالفت با ظالم و... است. مرحوم مقرر در بیان فلسفه اربعین برای سیدالشهدا علیه السلام می‌نویسد:

اربعین اختصاصی به اربعین سال اول فوت ندارد. در هر سال، روز اربعین دارای مزایا خواهد بود. اما اینکه در انسان‌های معمولی، فقط سال اول فوت را اربعین می‌گیرند، به خاطر این است که مزایا و فضایل آنها محدود و تمام‌شدنی است. برخلاف سیدالشهدا علیه السلام که مزایایش نامحدود و فضائلش بی حساب و شمار است؛ به قسمی که هر اندازه تکرار شود، درس تازه‌ای خواهد بود و هر اندازه نسل‌ها

پیشرفته و مترقی شوند، هر نسلی نیاز مبرمی به او احساس می‌کند. چنانچه تشکیل جلسات عزاداری در کنار مرقد مطهرش در هر اربعین موجب احیای نهضت و مایه ننگ و نفرت از دستگاه بنی‌امیه خواهد بود که چنین جنایاتی را مرتکب شدند. هر اندازه گوینده و یا شاعر و ثناخوان حضرت سیدالشهدا علیه السلام در داستان کربلا و نهضت مقدس حسین علیه السلام بیشتر دقت کند و امعان نظر کند، درهایی از فضایل آن بزرگوار برایش باز می‌شود که پیش‌تر به رویش بسته بوده است؛ به همین جهت، عادت شیعیان بر این قرار گرفته است که در هر سال و در هر اربعین با این مسائل تجدید عهد می‌کنند.^۱

در کنار بیان فلسفه گرامیداشت اربعین حسینی، شواهد و وجوهی برای برگزاری اربعین برای سیدالشهدا علیه السلام از روایات استفاده شده است. برای نمونه، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که خطاب به زراره می‌فرماید:

يَا زُرَّارَةُ إِنَّ السَّمَاءَ بَكَتْ عَلَى الْحُسَيْنِ أَرْبَعِينَ

صَبَاحاً بِالدَّمِّ وَ إِنَّ الْأَرْضَ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً
بِالسَّوَادِ وَ إِنَّ الشَّمْسَ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً
بِالْكُسُوفِ وَ الْحُمْرَةَ... وَ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ بَكَتْ
أَرْبَعِينَ صَبَاحاً عَلَى الْحُسَيْنِ علیه السلام.^۱

ای زرارہ، آسمان چهل روز بر حسین علیه السلام
خون گریہ کرد و زمین چهل روز برای عزای
آن حضرت گریست به تیرہ و تار شدن و
خورشید با کسوف و سرخی خود چهل روز
گریست... و ملائکہ الہی برای آن حضرت
چهل روز گریستند.

دلیل دیگر بزرگداشت اربعین سیدالشہداء علیہم السلام،
روایتی از امام حسن عسکری علیہ السلام است کہ
نشانه‌های مؤمن را پنج چیز دانسته و یکی از آنها
را زیارت اربعین عنوان کرده‌اند:

عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةٌ إِحْدَى وَ خَمْسِينَ وَ
زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّخْتُّمُ فِي الْيَمِينِ وَ تَغْفِيرُ
الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^۲

-
۱. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱۰، ص ۳۱۳.
 ۲. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج ۹۵، ص ۳۴۸.
- مرحوم مقرر در ذیل روایت می‌نویسد: «جلسه یادبود و
عزای امام حسین علیه السلام در روز اربعین را کسانی تشکیل
می‌دهند کہ بستگی و ارتباط به ولایت داشته باشند و ←

پنج چیز علامت مؤمن است: ۵۱ رکعت نماز (در شبانه‌روز)، زیارت اربعین، انگشتی در دست راست کردن، پیشانی به خاک مالیدن و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را در نماز آشکارا گفتن.

افزون‌براین، امام صادق علیه السلام زیارت اربعین را به صفوان بن مهران جمّال تعلیم داده است که در آن، به بزرگداشت اربعین تصریح شده است.^۱

→ بخوانند بدین وسیله، از آنها مشایعت و پیروی کنند. بی‌تردید کسانی با او بستگی و ارتباط خواهند داشت که معتقد و معترف به امامت حضرت باشند. بنابراین، یکی از علائم ایمان و داشتن ولایت حضرت سیدالشهدا علیه السلام، حضور در کنار مرقد شریف آن بزرگوار در روز اربعین است برای برپا داشتن عزا و تجدید عهد با حسین و یاران و اهل بیت آن حضرت» (سید عبدالرزاق مقرر، همان، ص ۵۸۰).

۱. محمدبن حسن طوسی، مصباح المتهدّج و سلاح المتعبّد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ق، ص ۷۸۸ و ۷۸۹؛ ر.ک. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، همان، ج ۶۵، ص ۱۳۰.

حوادث تاریخی اربعین (واقعه اربعین)

براساس گزارش‌های تاریخی، اهل بیت علیهم‌السلام در مسیر اسارت، از کوفه به سوی شام برده شدند. ایشان به مدت هفت روز در آنجا اقامت داشتند و سپس، نعمان بن بشیر به دستور یزید بن معاویه، وسایل سفر آنان را فراهم کرد و به همراهی مردی امین آنان را روانهٔ مدینهٔ منوره کرد.^۱ اهل بیت علیهم‌السلام

۱. مطابق نقل شیخ مفید ریاست کاروان به عهده نعمان بن بشیر بود (ر.ک. محمد بن محمد مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگرهٔ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۲۶). ولی از کلام علامه مجلسی و طبری (محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، بیروت، مؤسسهٔ اعلمی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۳۵۳) استفاده می‌شود که یزید از نعمان بن بشیر خواست این کاروان را آمادهٔ حرکت کند و مردی مورد اعتماد را همراه با مراقبان و محافظان با آنها روانه کند. از این رو، در ق مقام زخار (فرهاد میرزا ←

وقتی به دوراهی جاده عراق و مدینه رسیدند، از امیر کاروان خواستند تا آنان را به کربلا ببرد و او کاروان اسیران را به سوی کربلا حرکت داد. طبق گفته‌های تاریخی، اهل بیت علیهم‌السلام در همان سال ۶۱ در روز بیستم صفر (اربعین حسینی) وارد کربلا شدند و پس از ورود به کربلا، سخت گریستند و ناله و زاری کردند و بر صورت خود سیلی زدند و ناله‌های جانسوز سر دادند و برای شهیدان خود، عزاداری کردند.

→ قاجار، قمقام زخار و صمصام بتار، تهران، اسلامیه، ص ۵۷۹) آمده است که مطابق قولی سرپرستی آنان به‌عهده بشیر بن حذلم بود. به‌هرحال، ممکن است سرپرستی این گروه را نعمان بن بشیر برعهده داشت و بشیر بن حذلم از نگهبانان همراه بوده که بعدها به هنگام ورود به مدینه، امام سجاد علیه‌السلام از او خواست تا خبر ورودشان را به اطلاع مردم برساند؛ یا نعمان بن بشیر از همان شام این کاروان را آماده رفتن کرد و سرپرستی و راهنمایی کاروان را به‌عهده بشیر بن حذلم نهاد، ولی خودش همراه آنان نبود (ر.ک. سعید داودی و مهدی رستم‌نژاد، عاشورا ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، قم، مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، ۱۳۸۸، ص ۶۲۱).

زینب کبری علیها السلام وقتی وارد کربلا شد، در میان جمع زنان آمد و گریبان چاک کرد و با صدایی غمگین، که دل‌ها را جریحه‌دار می‌کرد، گفت: «وا آخاه! واحسیناه! وا حبیب رسول الله و ابن مکه و منی وابن فاطمه الزهراء وابن علی المرتضی. آه ثم آه» سپس بیهوش شد.

آنگاه ام‌کلثوم لطمه به صورت زد و با صدایی بلند گفت: امروز محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و علی مرتضی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام از دنیا رفته‌اند و دیگر زنان نیز سیلی به صورت زده و گریه و شیون کردند.

سکینه علیها السلام چون چنین دید، فریاد زد: وا محمداه! وا جداه! چه سخت است بر تو تحمل آنچه با اهل بیت تو کرده‌اند، آنان را از دم تیغ گذراندند و بعد عریانشان کردند.^۱

براساس گزارش‌های تاریخی، پس از سه روز عزاداری، امام سجاد علیه السلام چاره‌ای جز این ندید که

۱. علی نظری منفرد، قصه کربلا، تهران، سرور، ۱۳۷۹، ص ۵۲۴-۵۲۵.

دستور حرکت از کربلا را به سوی مدینه صادر کند؛ چراکه می دید عمه هایش و زنان و کودکان شب و روز آرام و قرار ندارند و به نوحه و گریه می پردازند. از کنار قبری برمی خیزند و در جوار قبری دیگر می نشینند (خوف آن بود که آنجا جان خود را از دست دهند).^۱

در برخی از منابع تاریخی و حدیثی تصریح شده است که الحاق سر مبارک سیدالشهدا علیه السلام و شهدای دیگر کربلا در همین اربعین اتفاق افتاده است و اهل بیت علیهم السلام همراه سرهای مبارک شهیدان، از دمشق خارج شدند و سرهای مقدس را به کربلا بازگردانده، آنها را به خاک سپردند.^۲

۱. ر.ک. عبدالرزاق مقرر، همان، ص ۵۷۴.

۲. ر.ک. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، الامالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶. ص ۱۶۸؛ محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین، قم، رضی، ۱۳۷۵، ص ۱۹۲؛ محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، علامه، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۸۵؛ یوسف بن قزاوغلی سبط بن جوزی، تذکرة الخواص، قم، شریف رضی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۰؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، همان، ج ۴۵، ص ۱۴۵.

الف) نخستین زائر اربعین

پس از شهادت امام حسین علیه السلام و یاران گران قدرش، جامعه اسلامی مرعوب قدرت و خونریزی‌های یزید بود. ولی جابر از افرادی نبود که تحت تأثیر وحشت قرار گیرد، بلکه برای معرفی عظمت و علت شهادت امام حسین علیه السلام کوشش‌های فراوانی کرد. او از شهر مدینه روانه کربلا شد تا بوسه بر خاک پاک قبر شهیدان راه حق زند و بدین وسیله، نفرت و خشم خود را اعلام کند و مخالفان و دشمنان آن حضرت را رسوا سازد. این روش جابر از اهمیت والایی برخوردار بود؛ زیرا:

۱. تا آن زمان، مردم هنوز از قدرت یزید، وحشت داشتند و کسی جرئت نمی‌کرد آشکارا به زیارت قبر آن حضرت برود؛
 ۲. جابر فردی عادی نبود، بلکه یکی از صحابه و یاران بزرگوار و برجسته پیامبر صلی الله علیه و آله به‌شمار می‌رفت که در میان مسلمانان و مردم از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بود.
- بنابراین، هنگامی که جابر بن عبدالله از مدینه

رهسپار زیارت امام حسین علیه السلام شد، ضربه کوبنده‌ای بر حکومت یزید وارد ساخت. جابر همراه «عطیه» فرزند سعد کوفی، یکی از تابعان و بزرگان و راویان شیعه و از محدثان ارجمند، راهی کربلا شد. آنان در بیستم صفر سال ۶۱ هجری قمری، در چهلمین روز شهادت امام حسین علیه السلام، به زیارت قبر امام حسین علیه السلام نائل شدند. در آن هنگام، کاروان اسیران اهل بیت علیهم السلام از شام بازگشتند و وارد کربلا شدند و همراه جابر و مردم اطراف کربلا به سوگواری پرداختند. زیارت جابر زیارتی عادی نبود، بلکه حرکتی حماسی همراه با اشک و آه و حسرت بود؛ زیرا او با این شیوه، درس بزرگی در زمینه ولایت و ابراز علاقه به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله به آیندگان آموخت. و حقانیت اهل بیت علیهم السلام را ثابت و غاصبان حکومت را رسوا کرد.

عطیه می‌گوید: همراه جابر بن عبدالله انصاری به زیارت قبر امام حسین علیه السلام رهسپار شدیم. هنگامی که نزدیک کربلا رسیدیم، جابر در رود فرات غسل کرد و لباس پوشید. عطری که همراه

داشت را باز کرد و مقداری از آن را بر بدن خود پاشید و خویشتن را خوشبو ساخت و هر گامی که به سوی قبر امام حسین علیه السلام برمی داشت، زبانش به ذکر و یاد خدا گویا بود.

هنگامی که نزدیک قبر رسید، گفت: دست مرا به قبر برسان. دست او را روی قبر نهادم. جابر از بسیاری غم و اندوه از هوش رفت و روی قبر افتاد. من آب به سر و صورتش پاشیدم. آنگاه که به هوش آمد، سه بار فریاد زد: یا حسین! سپس گفت: چگونه دوستی است که جواب دوست خود را نمی دهد؟

آنگاه پاسخ خود را داد و گفت: چگونه می توانی پاسخ بدهی، در حالی که رگ های گردنت بریده شده، خونت ریخته شده و سرت از بدن جدا شده است؟ سپس ادامه داد:

فَأَشْهَدُ أَنَّكَ ابْنُ خَيْرِ النَّبِيِّينَ، وَابْنُ سَيِّدِ
الْمُؤْمِنِينَ، وَابْنُ حَلِيفِ التَّقْوَى، وَسَلِيلُ الْهُدَى،
وَخَامِسُ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ، وَابْنُ سَيِّدِ النَّقَبَاءِ،
وَابْنُ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ، وَمَالَكَ لَا تَكُونُ
هَكَذَا وَقَدْ غَدَّتْكَ كَفُّ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَرُئِيتَ

فِي حَجْرِ الْمُتَّقِينَ، وَرَضَعْتَ مِنْ ثَدْيِ الْإِيمَانِ،
 وَفَطَمْتِ بِالْإِسْلَامِ، فَطَبْتَ حَيًّا، وَطَبْتَ مَيِّتًا،
 غَيْرَ أَنَّ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ طَيِّبَةٍ لِفِرَاقِكَ،
 وَلَا شَاكِيَةٍ فِي الْخَيْرَةِ لَكَ، فَعَلَيْكَ سَلَامُ اللَّهِ
 وَرِضْوَانُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى
 عَلَيْهِ أَخُوكَ يَحْيَى بْنُ زَكْرِيَا.

گواهی می‌دهم که تو زاده بهترین پیامبران،
 فرزند سرور مؤمنان، همزاد تقوا، از نسل
 هدایت و پنجمین عضو اصحاب کسا، فرزند
 سرور برگزیدگان الهی و زاده زهرای
 اطهر علیها السلام، سرور زنان جهان هستی. چگونه
 چنین نباشد، در حالی که از دست سرور
 پیامبران غذا خورده‌ای، در دامن
 پرهیزگاران پرورش یافته‌ای، از پستان ایمان
 شیر نوشیده‌ای و با نور اسلام از شیر گرفته
 شده‌ای. تو چه در زندگی و چه پس از مرگ،
 پاک بوده‌ای. دل‌های مؤمنان از دوری تو
 آزرده شده است، ولی تو همواره زنده
 هستی. سلام و درود خداوند بر تو باد.
 گواهی می‌دهم که در راه برادرت یحیی بن
 زکریا گام نهادی و همانند وی شهید شدی.

سپس جابر (مانند انسان نابینا) به اطراف قبر

نگریست و چنین گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْأَزْوَاحُ الَّتِي حَلَّتْ بِفِتَاءِ
الْحُسَيْنِ وَ أَنْأَخَتْ بِرُحْلِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَقَمْتُمْ
الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمْ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ
نَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ جَاهَدْتُمْ الْمُلْحِدِينَ وَ عَبَدْتُمْ
اللَّهَ حَتَّى أَتَاكُمْ الْيَقِينُ وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا
بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَقَدْ شَارَكْنَاكُمْ فِيمَا دَخَلْتُمْ فِيهِ.^۱

درود بر شما روان‌های پاکی که در آستان
حسین علیه السلام خفته و در بارگاه وی آرمیده‌اید.
گواهی می‌دهم که شما نماز را برپا داشتید
و زکات را پرداختید. امر به معروف و
نهی از منکر کردید. با بی‌دینان جنگیدید.
خدا را پرستش کردید تا اینکه مرگ را در
آغوش گرفتید. سوگند به خداوندی که
محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برانگیخته است، ما
نیز در پاداش شما شریکیم.

عطیه می‌گوید: پرسیدم چگونه در پاداش این
شهیدان با آنان شریک هستیم، در حالی که در راه
شهادت قدمی برنداشتیم و شمشیری نزده‌ایم؟ و
حال آنکه سرهای آنان در راه خدا از تن جدا شد
و فرزندان‌شان یتیم و همسرانشان بیوه شدند؟

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، همان، ج ۹۸، ص ۱۹۶.

جابر پاسخ داد: ای عطیه، من از پیامبر خدا ﷺ شنیدم که می فرمود: «هر کس هر گروهی را دوست بدارد، روز رستاخیز در صف آنان قرار می گیرد و با آنان در یک مکان گرد می آید و هر کس رفتار هر گروهی را دوست بدارد، در پاداش یا کیفر عمل آنان شریک خواهد بود.» سوگند به خدایی که محمد ﷺ را به پیامبری برانگیخته، نیت و اعتقاد من و یارانم همان اعتقاد و نیت حسین ﷺ و یارانش می باشد.^۱

عطیه می گوید: در این هنگام، سیاهی کاروانی از سوی شام پدیدار شد. به جابر گفتم: اینک سیاهی کاروانی از سوی شام نمودار است. جابر گفت: برو از این کاروان برای ما خبری بیاور. اگر از افراد عمر بن سعد بودند، برگرد و خبر ده. عطیه رفت و طولی نکشید که برگشت و گفت: جابر، برخیز و از حرم رسول خدا ﷺ استقبال کن. اینک زین العابدین ﷺ است که همراه عمه ها و خواهرانش می آیند.

۱. ر.ک. همان، ج ۶۵، ص ۱۳۰.

جابر با سر و پای برهنه حرکت کرد. هنگامی که نزدیک امام سجاد علیه السلام رسید، امام به وی فرمود: تو جابر هستی؟ عرض کرد: آری. امام فرمود:

يا جابرُ هيهُنَا وَ اللّٰهٖ قُتِلَتْ رِجَالُنَا، وَ دُبِحَتْ
 أَطْفَالُنَا، وَ سُبِّتْ نِسَاؤُنَا وَ حُرِّقَتْ خِيَامُنَا.^۱

ای جابر به خدا سوگند، در این مکان بود که مردان ما کشته شدند، کودکان ما را سر بریدند و زنان ما اسیر شدند و خیمه‌های ما را آتش زدند.

۱. سید محسن امین، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف

للمطبوعات، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۴۷.

فلسفه یادآوری اربعین

سنت اربعین توسط امام سجاد علیه السلام و عقیده بنی هاشم، زینب کبری علیها السلام و صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله جناب جابر و عطیه آغاز شد و ادامه یافت و با تأیید و تأکید معصومان علیهم السلام بر استمرار آن، تثبیت شد؛ تا این حقیقت را بر جهانیان روشن سازد که اربعین امتداد جریان عاشورا است و عاشورا را باید به یاری اربعین و کاروان پیاده روی آن زنده کرد. مرحوم مقوم علیه السلام در بیان فلسفه یادآوری اربعین می نویسد:

رنجی که حضرت سیدالشهدا علیه السلام برای تحکیم پایه های اسلام و زدودن خارهای باطل از سر راه اسلام و توجه دادن توده ها به جرائم جنایتکاران برد، درست همان مشکلات و مسائلی است که شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای بنیان گذاری و نشر اسلام برده است. از این رو، دانشمندان دین دیدگان توده ها را متوجه این نهضت مقدس

کرده‌اند؛ زیرا در این نهضت فجایعی از بنی‌امیه سر زده است که دل سنگ را می‌شکافد. معلوم است که مواظبت بر اظهار مظلومیت امام حسین علیه السلام احساسات و عواطف عمومی را برمی‌انگیزد و دل‌ها را تسخیر می‌کند... از این رو، ترغیب و تشویق برای اقامه عزا و ماتم در اربعین امامان دیگر نشده است؛ حتی برای شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله. این ترغیب و تشویق نیست و تنها درباره اربعین امام حسین علیه السلام که چون ذکر مصائب آن بزرگوار عامل بسیاری مؤثری برای ابقای دین به‌شمار می‌رود و چون توجه انظار عمومی به مصائب کربلا برای احیای امر ائمه، که به آن امر کرده‌اند،^۱ محسوس‌تر است؛ بنابراین، تنها درباره اربعین این امام است که توصیه شده و از نشانه‌های ایمان به‌شمار آمده است.^۲

پس، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین فلسفه بزرگداشت اربعین حسینی، زنده نگه‌داشتن نام و یاد و راه سیدالشهدا علیه السلام است. روشن است برای رهایی از

۱. «... تَزَاوَرُوا وَ تَلَاقُوا وَ تَذَاكُرُوا أَمْرَنَا وَ أَحْيَاؤُهُ» (ر.ک. محمدباقر

مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج ۷۱، ص ۳۵۲).

۲. عبدالرزاق مفرم، همان، ص ۵۸۲.

ذلت و بردگی و بازیابی عزت و آزادگی و فراهم ساختن زمینه برای انقلاب فرهنگی ریشه‌دار و بنیادی در سطحی گسترده بر ضد بیداد و خفقان و تحریف حقایق، راهی جز آگاهی و بیدارسازی و روشنگری مردم نیست. اکنون که نهضت سید و سالار شهیدان به وقوع پیوسته است، باید همچون امام سجاد علیه السلام این نهضت را شکوفا کرد و به بار نشانند. حضرت سیدالشهدا علیه السلام گام‌های اساسی برای بیدارسازی مردم را برداشته است، اکنون باید گام دوم آن، یعنی رساندن پیام قیام کربلا را همچون امام سجاد علیه السلام و زینب کبری علیها السلام به سرانجام رسانند. فلسفه بزرگداشت شهادت سید و سالار شهیدان و یاران باوفایش در اربعین همین است. اربعین حسینی استمرار نهضت عاشورا است که از سویی بیدارگر وجدان‌ها و برانگیزاننده انسان‌ها برای مبارزه با ستم و زور بود، از سویی رسواکننده حاکمانی که از جهل و غفلت مردم بهره می‌گرفتند و با نام دین، سلطه جابرانه و ضددینی داشتند. اربعین، تحقق وعده عقیده بنی‌هاشم زینب کبری علیها السلام است که در دربار یزید فرمود:

فَكَذِّبَكَ، وَاسْعَ سَعِيكَ، وَنَاصِبٌ جُهْدَكَ،
فَوَاللَّهِ لَا تَمُحُو ذِكْرَنَا، وَلَا تُمِيتُ وَحِينَا، وَلَا
تُذْرِكُ أَمَدَنَا، وَلَا تَرَحُّصُ عَنَّا عَارَهَا.^۱

[ای یزید] هر چه نیرنگ داری به کار بند و
نهایت تلاشت را بکن و هر کوششی که
داری به کار گیر؛ اما به خدا سوگند [با همه
این تلاش‌ها] یاد ما را [از خاطره‌ها] محو
نخواهی کرد و [چراغ] وحی ما را خاموش
نتوانی کرد و به موقعیت و جایگاه ما آسیب
نخواهی رساند. هرگز لکه ننگ این کار از تو
پاک نخواهد شد.

فلسفهٔ اربعین یادآوری و تعظیم و تکریم
حماسهٔ عاشورا است. اربعین، روز میثاق دوباره با
سیدالشهدا علیه السلام و ارزش‌های الهی است تا از یادها
نرود و تأثیرگذاری همیشگی خود را داشته باشد.
اربعین مأموریت دارد تا پیام نهضت عاشورا را به
گوش همگان برساند و آن را گسترش دهد و
جهانی سازد. تا امروز، اربعین نقش خود را به
بهترین شکل ممکن انجام داده و توانسته است
جریان هدایت الهی و نبرد حق و باطل را به مسیر

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، همان، ج ۴۵، ص ۱۶۰.

خود بازگرداند. امام خامنه‌ای دام‌ظله در اشاره به فلسفه اجتماع اربعین می‌فرماید:

اربعین در حادثه کربلا یک شروع بود. یک آغاز بود. بعد از آنکه قضیه کربلا انجام گرفت و فداکاری بی‌نظیر اباعبدالله علیه السلام و اصحاب و یاران و خانواده‌اش در آن محیط محدود واقع شد، حادثه اسارت‌ها پیام را باید منتشر می‌کرد و خطبه‌ها و افشاگری‌ها و حقیقت‌گویی‌های حضرت زینب علیها السلام و امام سجاد علیه السلام مثل یک رسانه پر قدرت باید فکر و حادثه و هدف و جهت‌گیری را در محدوده وسیعی منتشر می‌کرد و کرد... مرحوم سیدبن طاووس و بزرگان نوشته‌اند که وقتی کاروان اسرا، یعنی جناب زینب علیها السلام و بقیه در اربعین وارد کربلا شدند، در آنجا فقط جابر بن عبدالله انصاری و عطیه عوفی نبودند؛ رجال من بنی‌هاشم: عده‌ای از بنی‌هاشم. عده‌ای از یاران بر گرد تربت سیدالشهدا علیه السلام جمع شده بودند و به استقبال زینب کبری علیها السلام آمدند. شاید این سیاست ولایی هم که زینب کبری علیها السلام اصرار کرد که برویم به کربلا - در مراجعت از شام - به خاطر همین بود که این اجتماع کوچک، اما پر معنا در

آنجا حاصل شود... این نشانه و نمونه‌ای از تحقق آن هدفی است که با شهادت‌ها باید تحقق پیدا می‌کرد. یعنی گسترش این فکر و جرئت دادن به مردم. از همین جا بود که ماجرای توابین به وجود آمد؛ اگر چه ماجرای توابین سرکوب شد، اما بعد با فاصله کوتاهی ماجرای قیام مختار و بقیه آن دلاوران کوفه اتفاق افتاد و نتیجه درهم‌پیچیده شدن دودمان بنی‌امیه ظالم و خبیث بر اثر همین شد. البته بعد از او سلسله مروانی‌ها آمدند؛ اما مبارزه ادامه پیدا کرد، راه باز شد. این خصوصیت اربعین است؛ یعنی در اربعین افشاگری هم هست، عمل هم هست، تحقق هدف‌های آن افشاگری هم در اربعین وجود دارد.^۱

۱. بیانات امام خامنه‌ای داماد در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۸۷/۱۱/۲۸، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=5744>

اعمال و آداب روز اربعین

روز اربعین هم همانند دیگر مناسبت‌های مذهبی آداب و اعمال مخصوص به خود را دارد. در روایت‌ها و کتاب‌های دعا، اعمال گوناگونی برای این روز ذکر شده است که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

الف) غسل اربعین

یکی از مقدمات اعمال دینی، انجام غسل است. از این رو، در بیشتر زیارت‌ها سفارش به غسل شده است. حکم دینی که بدن را از نظر ظاهری طیب و طاهر می‌کند تا تطهیر بدن مقدمه‌ای برای تطهیر روح از ناپاکی‌ها باشد. درباره غسل کردن در روز اربعین برای زائران، حتی آنها که از راه دور، نیت زیارت امام حسین علیه السلام می‌کنند، تأکید و سفارش شده است.

شیخ طوسی در کتاب مصباح از صفوان جمال روایت کرده: از امام صادق علیه السلام برای زیارت مولایمان حسین علیه السلام اجازه خواستم و درخواست کردم برای زیارت آن حضرت دستورالعملی برایم بیان کند که به آن صورت به زیارت اقدام کنم. ایشان فرمود: «ای صفوان، پیش از حرکت به سفر، سه روز روزه بدار و روز سوم غسل کن. پس اهل و عیال خود را نزد خویش جمع کن و چنین بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدُّكَ...» آنگاه دعایی تعلیم او فرمود که وقتی به فرات برسد بگوید. سپس فرمود:

با آب فرات غسل کن.^۱ به درستی که پدرم مرا از پدرانش علیه السلام خبر داد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا فرزند من حسین، پس از من در کنار فرات کشته خواهد شد، هر که او را زیارت کند و از فرات غسل کند، گناهان او بریزد و مانند روزی شود که مادر او را به دنیا آورده است. چون غسل کنی در حال انجام

۱. روشن است که اگر امکان غسل زیارت در فرات برای زائران امکان‌پذیر نباشد، باید در خانه غسل کنند، دیگر توصیه‌های زیارت را رعایت کنند.

غسل بگو: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ نُورًا وَطَهُورًا وَحِزْزًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ وَ آفَةٍ وَ عَاهَةِ اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَ اشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَ سَهِّلْ لِي بِهِ أَمْرِي؛ به نام خدا و با استعانت از خدا. خدایا این [غسل] را مایهٔ روشنی و پاک‌کننده و نگهدارنده و شفای از هر درد و بیماری و آفت و آسیب قرار بده. خدایا دلم را با آن پاک کن و سینه‌ام را بگشای و کارم را با آن آسان گردان.»^۱

(ب) خواندن نماز

یکی از اعمالی که برای روز اربعین توصیه شده است به‌جا آوردن ۵۱ رکعت نماز که هفده رکعت آن واجب و ۳۴ رکعت دیگر آن به‌صورت نافله برگزار می‌شود. ذکر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» با صدای بلند در این نماز که در روز اربعین سفارش بر آن شده و همچنین سجده بر خاک به‌ویژه تربت امام حسین علیه السلام بسیار ارزشمند است.

(پ) دعا

دعا در روز اربعین بسیار سفارش شده است.

۱. عباس قمی، مفاتیح الجنان، تهران، نبوی، ۱۳۸۸، ص ۷۵۳.

بهترین مناجات برای اربعین حسینی خواندن دعای چهل وسوم «صحیفه سجادیه» است که از زبان امام سجاده علیه السلام بیان شده و فضیلت‌های فراوانی برای مؤمنان و اندیشمندان به همراه دارد. دعای دیگری که از سوی بزرگان دین مطرح شده که خواندن آن مستحب است، قرائت ده‌باره این دعا برای روزهای ماه صفر، به‌ویژه اربعین حسینی، فضیلت بسیار برای مؤمن دارد:

يَا شَدِيدَ الْقُوَى وَيَا شَدِيدَ الْمِحَالِ يَا عَزِيزُ يَا
عَزِيزُ يَا عَزِيزُ ذَلَّلْتَ بِعَظَمَتِكَ جَمِيعَ خَلْقِكَ
فَاكْفِنِي شَرَّ خَلْقِكَ يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ
يَا مُفْضِلُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ
مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَا مِنْ الْغَمِّ
وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.^۱

ای سخت نیرو و ای سخت عقوبت، ای عزیز، ای عزیز، ای عزیز، در برابر عظمت تو همه آفریدگانت خوار شدند، پس کفایت کن از من، شر خلقت را. ای نیکوده، ای زیبایی‌بخش، ای نعمت‌بخش، ای

فزون بخش، ای که معبودی جز تو نیست، منزهی تو و من از ستمکاران هستم. پس دعای او یونس را اجابت کردیم و از اندوه نجاتش دادیم و این چنین نجات دهیم مؤمنان را و درود خدا بر محمد و آل پاک و پاکیزه اش.

ت) ذکر و تسبیح

در زیارت امام حسین علیه السلام روایت شده که پیش از زیارت و در بدو ورود، حتی وقتی به فرات می‌رسد تا غسل زیارت کند، صد بار «اللَّهُ اکْبَر»، صدبار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و صد بار صلوات بگوید. نیز در روایت است: هنگام زیارت وقتی مقابل قبر امام معصوم علیه السلام قرار گرفت، بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ»، ثواب بسیار برای او نوشته می‌شود.

برای زیارت اباعبدالله علیه السلام به صورت مطلق در غیر اربعین نیز ذکرهایی سفارش شده است. برای نمونه، حسین بن ثویر نقل می‌کند من و یونس بن طیبان نزد امام صادق علیه السلام بودیم؛ آن‌که سنش از ما بیشتر بود به حضرت عرضه داشت، من بسیار

امام حسین علیه السلام را یاد می‌کنم، پس چه ذکر می‌گوییم؟ حضرت فرمودند: بگو «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» و این ذکر را سه بار بگو چراکه سلام از نزدیک و دور به ایشان می‌رسد.^۱

مرحوم علامه طباطبایی در توصیه به زائران سیدالشهدا علیه السلام می‌فرماید:

در طول راه، پیوسته مشغول زیارت عاشورا باشید؛ به گونه‌ای که در حین حرکت، زیارت را با صد لعن و صد سلام و سجده بخوانید. بعد دوباره از ابتدا شروع کنید و تلاش کنید که در تمام مسیر ذکرتان زیارت و یاد سیدالشهدا علیه السلام باشد. بهتر آن است که با تسبیح تربت، لعن‌ها و سلام‌ها را بگویید و اگر بتوانید که دعای علقمه را بعد از زیارت عاشورا بخوانید بسیار مطلوب است. ثواب این زیارت‌های عاشورا را به روح مطهر جناب قمر بنی هاشم علیه السلام اهدا کنید.^۲

۱. محمد بن حسن حرعاملی، همان، ج ۱۴، ص ۴۹۳.

۲. جمعی از پژوهشگران، موبک کلمات (ره‌توشه مناسک اربعین حسینی)، قم، اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه، ۱۳۹۸، ص ۱۰۷.

ث) حضور در کنار قبر امام حسین علیه السلام و بوسیدن ضریح یکی از آداب دیگر زیارت امام حسین علیه السلام، نزدیک شدن به قبر، دست نهادن به آن، بوسیدن و ابراز اشتیاق و محبت است. داستان زیارت اربعین جابر بن عبدالله انصاری و عطیه گواه این زیارت عاشقانه است که دست روی قبر سیدالشهدا علیه السلام نهاد و بر او درود و سلام داد. مرحوم شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان، با گفتن آداب زیارت به این نکته اشاره می‌کند که برخی افراد دور ایستادن و نزدیک نشدن به ضریح را رعایت ادب به حریم امامت می‌دانند. ایشان این را اشتباه می‌دانند و تأکید می‌کنند که نزدیک شدن به قبر و ضریح و بوسیدن آن یکی از آداب است؛ البته به شرطی که موجب مزاحمت و آزار رساندن به دیگر زائران حسینی نشود.

ج) زیارت وداع اربعین

سید بن طاووس برای زیارت اربعین، وداعی مخصوص به این زیارت را ذکر کرده است. به این صورت که زائر مقابل ضریح بایستد و بگوید:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ
 عَلَیْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُتَرْضَى وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ.
 السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ
 نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ
 الْحَسَنِ الرَّكِيِّ. السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي
 أَرْضِهِ وَ شَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ. السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا
 أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الشَّهِيدَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَوْلَايَ
 وَ ابْنَ مَوْلَايَ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ
 الزَّكَاةَ، وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ
 وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، وَ
 أَشْهَدُ أَنَّكَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ أَتَيْتُكَ
 تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ زَائِرًا وَافِدًا رَاغِبًا مُقِرًّا
 لَكَ بِالذُّنُوبِ. هَارِبًا إِلَيْكَ مِنَ الْخَطَايَا لِتَشْفَعَ
 لِي عِنْدَ رَبِّكَ. يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَیْكَ حَيًّا وَ مَيِّتًا، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا
 مَعْلُومًا وَ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ،
 وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ هَتَكَ حَرَمَكَ وَ غَضَبَ حَقِّكَ.
 وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ خَذَلَكَ، وَ
 لَعَنَ اللَّهُ مَنْ دَعَاكَ فَلَمْ يُجِبْكَ وَ لَمْ يُعِنِكَ وَ
 لَعَنَ اللَّهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ حَرَمِ اللَّهِ وَ حَرَمِ رَسُولِهِ
 وَ حَرَمِ أَبِيكَ وَ أَخِيكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ مَنَعَكَ
 مِنْ شُرْبِ مَاءِ الْفُرَاتِ لَعْنَا كَثِيرًا يَتَّبِعُ بَعْضُهَا

بَعْضًا. اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ
الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ. أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا
كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ، وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ
مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ
زِيَارَتِهِ، وَ ارْزُقْنِيهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ حَيَاتُ يَا
رَبِّ. وَ إِنْ مِتُّ فَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ^۱.

سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو
ای پسر علی مرتضی، جانشین رسول خدا،
سلام بر تو ای پسر فاطمه زهرا سرور زنان
جهان، سلام بر تو ای وارث امام حسن
پاک، سلام بر تو ای حجت خدا در زمین و
گواه او بر آفریده‌ها، سلام بر تو ای
اباعبدالله شهید، سلام بر تو ای مولای من
و پسر مولای من، گواهی می‌دهم که تو
نماز را به‌پا داشتی و زکات دادی و
امر به معروف و نهی از منکر کردی و در راه
خدا جهاد کردی تا اینکه امر یقین تو را فرا
رسید و نیز گواهی می‌دهم که تو دلیل
روشن از سوی پروردگارت داشتی.

۱. علی بن موسی ابن طاووس، اقبال الاعمال، تهران،

دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۹۱.

و اگر از دور زیارت کند باید بگوید:

ای مولای من، اکنون من به‌عنوان زائر، واردشونده، گراینده، اقرارکننده به گناه و گریزان از خطا، به درگاه تو آمده‌ام تا نزد پروردگارت از من شفاعت کنی. ای پسر رسول خدا، درود خدا بر تو در حال حیات و مرگ تو، زیرا تو در نزد خدا از مقام معلوم و شفاعت مورد پذیرش برخورداری. خداوند کسانی را که به تو ستم کرده‌اند، لعنت کند و نیز کسانی را که تو را محروم و حقت را غصب کرده‌اند، لعنت کند و قاتلان تو را لعنت کند و آنان را که دست از یاری تو کشیدند، لعنت کند و آنان را که خواندی و به تو پاسخ مثبت ندادند و تو را یاری نکردند، لعنت کند. همچنین، کسانی را که از رفتن تو به‌سوی حرم خدا و حرم رسول خدا و حرم پدر و برادرت جلوگیری کردند، لعنت کند و کسانی را که تو را از نوشیدن آب فرات منع کردند، بسیار و پی‌درپی لعنت کند. خدایا، ای پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین، دانای پنهان و آشکار، تو بین بندگان در آنچه اختلاف دارند، حکم می‌کنی و زود است آنانی که ظلم کردند، بدانند کدامین جایگاه بازگشتشان است.

خدایا، این زیارت را آخرین عهدم از زیارت قرار مده و همیشه برایم تا وقتی که باقی و زنده هستم، روزی ام گردان. ای پروردگار و اگر مُردم، مرا در گروه ایشان محشور فرما، ای مهربان‌ترین مهربانان.

چ زیارت اربعین

یکی دیگر از زیارت‌های مورد تأکید و توصیه در منابع دینی، زیارت اربعین است. در کتاب‌های روایی، به این زیارت تأکید و سفارش فراوان شده است و در اصل استحباب آن، هیچ اختلافی وجود ندارد. راوی آن مرحوم شیخ طوسی رحمته‌الله است. صدر حدیث روایت آن نشان می‌دهد که می‌توان آن را از راه دور، و ذیل آن دلالت دارد که از راه نزدیک می‌توان خواند و شاید منظور این باشد که هم از راه دور می‌توان خواند و هم از راه نزدیک.

مرحوم شیخ طوسی با بیان روایت امام حسن عسکری رحمته‌الله، زیارت اربعین را از ویژگی‌های متمایز شیعه برمی‌شمرد و سپس روایت صفوان جمّال را از زبان امام صادق رحمته‌الله درباره کیفیت

زیارت اربعین ذکر می‌کند.^۱

زیارت اربعین به دو صورت نقل شده است: صورت نخست، که بسیار معروف است، را امام صادق علیه السلام به صفوان مهران معروف به صفوان جمّال، آموخته است و می‌فرماید:

تَزُورُ اَرْتِفَاعَ النَّهَارِ وَ تَقُولُ السَّلَامُ عَلٰی وَلِيِّ
اللّٰهِ وَ حَبِيْبِهِ وَ ذَكَرَ الزِّيَارَةَ اِلٰى اَنْ قَالَ وَ تُصَلِّي
رَكَعَتَيْنِ وَ تَدْعُو بِمَا اَحْبَبْتَ وَ تُنْصَرِفُ.^۲

در زمانی که روز بالا آمده، زیارت کن و بگو: «السَّلَامُ عَلٰی وَلِيِّ اللّٰهِ وَ حَبِيْبِهِ وَ...» و زیارت را بیان کردند و بعد فرمودند: «دو رکعت نماز بخوان و هرچه دوست داری بخواه و بازگرد.»

۱. محمدبن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۲. علامه حلی علیه السلام نیز زیارت مخصوص امام حسین علیه السلام در روز اربعین را در کتاب منتهی المطلب روایت می‌کند و در فضیلت آن روایت امام حسن عسکری علیه السلام را مطرح می‌کند (حسن بن یوسف حلی، منتهی الطلب، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۷، ج ۱۳، ص ۲۹۵). مرحوم کفعمی در کتاب البلد الامین، مرحوم محمدتقی مجلسی در کتاب روضة المتقین و در کتاب بحار الأنوار نیز این زیارت و کیفیت آن را بیان کرده‌اند.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱۴، ص ۴۷۸.

متن زیارت که در متون روایی و حدیثی و دعا آمده است به این شرح است:

السَّلَامُ عَلَيَّ وَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ
 خَلِيلِ اللَّهِ وَنَجِيبِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ صَفِيِّ اللَّهِ
 وَابْنِ صَفِيهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ الْمُظْلُومِ
 الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيَّ اسِيرِ الْكُرْبَاتِ، وَقَتِيلِ
 الْعَبْرَاتِ، اللَّهُمَّ انِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ، وَابْنُ
 وَلِيِّكَ، وَصَفِيكَ وَابْنُ صَفِيكَ، الْفَائِزُ
 بِكَرَامَتِكَ، أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ، وَحَبَوْتَهُ
 بِالسَّعَادَةِ، وَاجْتَبَيْتَهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ، وَجَعَلْتَهُ
 سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ، وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ، وَذَائِدًا مِنَ
 الذَّادَةِ، وَأَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ، وَجَعَلْتَهُ
 حُجَّةً عَلَيَّ خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ، فَأَعْذَرَ فِي
 الدُّعَاءِ وَمَنْحِ النَّصْحِ، وَبَدَّلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ
 لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ، وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ،
 وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ عَرَّتُهُ الدُّنْيَا، وَبَاعَ حَظَّهُ
 بِالْأَرْذَلِ الْأَذْنَى، وَشَرَى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ،
 وَتَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ، وَأَسْحَطَكَ^۱ وَأَسْحَطَ
 نَبِيَّكَ، وَاطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ
 وَالتَّفْصَاقِ، وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارِ،

۱. در تهذیب الاحکام، کلمه «اسخطک» نیامده، ولی در مصباح المتهجد، آمده است.

فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُخْتَسِبًا، حَتَّى سَفِكَ
 فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ، وَاسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ، اللَّهُمَّ
 فَالْعَنُهُمْ لَعْنًا وَبِئْسَ، وَعَذَّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا،
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا بَنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ
 أَمِينِهِ، عِشْتَ سَعِيدًا، وَمَضَيْتَ حَمِيدًا، وَمِتَ
 فَقِيدًا مَظْلُومًا شَهِيدًا، وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزُ مَا
 وَعَدَكَ، وَمُهْلِكُ مَنْ خَذَلَكَ، وَمُعَذِّبُ مَنْ
 قَتَلَكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ،
 وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى اتَيْكَ الْيَقِينُ، فَلَعَنَ
 اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ
 اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ، اللَّهُمَّ انِّي
 أَشْهَدُكَ انِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ،
 يَا بِي انْتِ وَامِي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ
 كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ، وَالْأَرْحَامِ
 الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجَّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا، وَلَمْ
 تُلْبَسْكَ الْمُذْلَهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ
 مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ، وَارْكَانِ الْمُسْلِمِينَ، وَمَعْقِلِ
 الْمُؤْمِنِينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ
 الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ، الْهَادِي الْمُهْدِيُّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ

۱. در تهذیب الاحکام و مصباح المتہجد بہ جای «المطہرۃ»،
 الطاہرۃ آمدہ است.

الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةَ التَّقْوَى، وَ أَعْلَامُ
الْهُدَى، وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ
الدُّنْيَا، وَ أَشْهَدُ أَنَّ بَيْنَكُمْ مُؤْمِنٌ، وَ بَيْنَكُمْ مُؤَقِّنٌ،
بِشَرَايِعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي، وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ
سِلْمٌ، وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، وَ نُصْرَتِي لَكُمْ
مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ، فَ مَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ
عَدُوِّكُمْ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَ عَلَى أَزْوَاجِكُمْ
وَ أَجْسَادِكُمْ، وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ، وَ ظَاهِرِكُمْ
وَ بَاطِنِكُمْ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.^۱

سلام بر ولی خدا و دوستدارش، سلام بر
خلیل خدا و محرم اسرارش، سلام بر
برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش، سلام بر
حسین مظلوم شهید [در راه خدا] سلام بر
اسیر در بند ناگواری ها و کشته ای که اشک
فراوان بر او ریخته می شود، خدایا گواهی
می دهم که او به یقین ولی تو و فرزند ولی تو
و برگزیده تو و فرزند برگزیده توست، که به
بزرگداشت تو رستگار شده، او را با مقام
شهادت گرامی داشتی و به نیک بختی

۱. ر.ک. محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، همان، ج
۶، ص ۱۱۳؛ محمد بن حسن طوسی، مصباح المتهجد،
همان، ص ۷۸۸؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، همان،
ج ۹۸، ص ۳۳۱.

مخصوصش ساخته، و به پاکی ولادت برگزیدی، و او را آقایی از میان بزرگان و پیشوایی از میان پیشوایان، و مدافعی از مدافعان حق، قرار دادی و میراث پیامبران را به او بخشیدی. او را حجت بر مخلوقات از میان جانشینان قرار دادی، پس در دعوت مردم، عذری باقی نگذاشت و در خیرخواهی دریغ نکرد، و خون قلبش را در راه تو بخشید تا بندگان را از نادانی و سرگردانی گمراهی رهایی بخشد؛ در حالی که فریب خوردگان دنیا و آنان که سهم خود را با پست‌ترین چیز معامله کردند و آخرت خود را به ارزان‌ترین قیمت فروختند، علیه او هم‌پیمان شدند و به سبب هوای نفس سقوط کردند، و تو و پیامبرت را به خشم آوردند و از میان بندگان، از اهل اختلاف و دورویی و از حمل‌کنندگان بار گناه، که سزاوار دوزخ‌اند، پیروی کردند. پس در راه تو با شکیبایی و حسابگرانه با آنان جهاد کرد تا اینکه در راه بندگی‌ات، خونس ریخته شد و حرمتش شکسته شد. خدایا، آنان را بسیار لعنت کن و به عذاب دردناک گرفتار ساز. سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند سرور

جانشینان، گواهی می‌دهم که تو به‌یقین امین خدا و فرزند امین او هستی، که با سعادت زندگی کردی و به نیکی از دنیا رفتی و مظلومانه با شهادت درگذشتی. گواهی می‌دهم که خداوند به آنچه به تو وعده داده وفا کرد، و آن که را دست از یاری‌ات کشید، هلاک کرد، و آن که تو را به شهادت رساند عذاب کرد؛ گواهی می‌دهم که تو به عهد خدا وفا و در راهش جهاد کردی تا مرگت فرارسید. پس خداوند قاتلان تو و کسانی که به تو ستم کردند و کسانی که این [واقعه] را شنیدند و به آن راضی شدند، لعنت کند. خدایا گواهی می‌دهم که من دوستارانش را دوست دارم و با دشمنانش دشمنم، پدر و مادرم فدای تو ای فرزند رسول خدا، گواهی می‌دهم که تو نوری در صلب‌های بلندمرتبه و رحم‌های پاکیزه بودی، که دوران جاهلیت با ناپاکی‌هایش تو را آلوده نساخت و با لباس‌های آلوده‌اش تو را نیوشانید و گواهی می‌دهم که تو از پایه‌های دین و تکیه‌گاه مسلمانان و پناهگاه مؤمنان هستی. گواهی می‌دهم که تو پیشوای نیکوکار پرهیزگار و پسندیده پاکیزه و راهنمای

هدایت‌یافته‌ای و گواهی می‌دهم که امامان از فرزندان تو اساس پرهیزکاری و نشانه‌های هدایت و ریسمان محکم [هدایت] و حجت [خدا] بر جهانیان هستند. گواهی می‌دهم که به شما ایمان دارم و به واسطه قوانین دینم و عواقب عملم به بازگشت شما مطمئنم و دلم تسلیم دل شما و عملم پیرو عمل شماست، و آماده یاری شمایم تا اینکه خداوند به شما اجازه دهد. پس آن که با شماست با شماست، نه با دشمنان شما. درود خدا بر شما و بر ارواح و بدن‌های شما و بر حاضر و غایبتان و بر ظاهر و باطنتان، دعایم را بپذیر، ای پروردگار جهانیان.

صورت دوم: مرحوم علامه مجلسی از سید بن طاووس نقل می‌کند که عطیه عوفی می‌گوید: روز بیستم ماه صفر با جابر بن عبدالله انصاری بودم. وقتی به کربلا رسیدیم، در آب فرات غسل کرد و پیراهن پاک و تمیزی که با خود داشت، پوشید و به من گفت: آیا از بوی خوش چیزی به همراه داری؟ گفتم: آری. قدری از آن بر سر و بدن پاشید و پا برهنه روانه شد، تا به مزار حضرت رسید. نزد سر مبارک امام حسین علیه السلام

ایستاد و سه بار «اللّه اکبر» گفت و افتاد و بی هوش شد. وقتی به هوش آمد، شنیدم که گفت:

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا آلَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا
صَفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ
السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا سَادَةَ السَّادَاتِ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ
يَا لُيُوثَ [عَلَى لُيُوثِ] الْغَابَاتِ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ
يَا سُنْنَ النَّجَاةِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
الْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ
وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ
آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ
نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ
اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ
اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ
السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ
السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا
ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ
خَدِيجَةَ الْكُبْرَى السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا شَهِيدَ ابْنَ
الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا قَتِيلَ ابْنَ الْقَتِيلِ
السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ عَلَى خَلْقِهِ

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ
 أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَرَزَيْتَ
 [وَبَرَزْتَ] بِوَالِدَيْكَ وَجَاهَدْتَ عَدُوَّكَ وَأَشْهَدُ
 أَنَّكَ تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَتَرُدُّ الْجَوَابَ وَأَنَّكَ
 حَبِيبُ اللَّهِ وَخَلِيلُهُ وَنَجِيبُهُ وَصَفِيُّهُ وَابْنُ
 صَفِيَّتِهِ يَا مَوْلَايَ [وَابْنَ مَوْلَايَ] زُرْتُكَ مُشْتَاقًا
 فَكُنْ لِي شَفِيعًا إِلَى اللَّهِ يَا سَيِّدِي وَاسْتَشْفِعْ
 إِلَى اللَّهِ بِجَدِّكَ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَبِأَبِيكَ سَيِّدِ
 الْوَصِيِّينَ وَبِأُمِّكَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ
 أَلَّا لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِيكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ ظَالِمِيكَ وَ
 لَعَنَ اللَّهُ سَالِيكَ وَ مَبْغُضِيكَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ
 الْآخِرِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
 الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.^۱

سلام بر شما ای خاندان خدا، سلام بر شما
 ای برگزیدگان خدا، سلام بر شما ای
 انتخاب شده های خدا از میان خلق، سلام
 بر شما ای آقایان آقاها، سلام بر شما ای
 شیران بیشه ها، سلام بر شما ای
 کشتی های نجات، سلام بر تو ای اباعبدالله
 الحسین، سلام بر تو ای وارث دانش

۱. ر.ک. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، همان، ج ۹۸، ص

۳۲۹؛ عباس قمی، مفاتیح الجنان، همان، ص ۷۴۳.

پیامبران، رحمت و برکات خدا بر تو باد. سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا سلام بر تو ای وارث اسماعیل قربانی خدا، سلام بر تو ای وارث موسی هم‌سخن خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد حبیب خدا. سلام بر تو ای فرزند محمد مصطفی، سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سلام بر تو ای فرزند خدیجه کبری، سلام بر تو ای شهید فرزند شهید، سلام بر تو ای کشته فرزند کشته، سلام بر تو ای ولی خدا و فرزند ولی خدا، سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا بر خلقش، گواهی می‌دهم که تو نماز به‌پا داشتی، و زکات پرداختی، و به معروف امر و از منکر نهی کردی، و مصیبت‌زده پدر و مادر شدی، و با دشمنت جهاد کردی، و گواهی می‌دهم که تو سخن را می‌شنوی، و پاسخ می‌دهی؛ و تو حبیب و دوست و بنده نجیب و برگزیده و فرزند برگزیده خدایی. ای مولای من و فرزند مولای من مشتاقانه تو را زیارت کردم. ای آقای من، به درگاه خدا شفیع من باش.

ای آقای من، به درگاه خدا طلب شفاعت می‌کنم به‌وسیله جدت، سرور پیامبران، و پدرت سرور جانشینان، و مادرت فاطمه سرور بانوان جهانیان. خدا لعنت کند قاتل و ستمگر و غارتگر و دشمنت را از گذشتگان و آیندگان، و درود خدا بر آقای ما محمد و خاندان پاک و پاکیزه‌اش.

ویژگی‌ها و آثار زیارت اربعین

الف) فضیلت زیارت اربعین

هرچند همهٔ زیارت‌ها دارای اهمیت هستند. با اینکه تعداد روایات مربوط به اربعین محدود است، این زیارت اهمیت بسیار ویژه‌ای دارد و در بین زیارت‌ها جایگاه ویژه‌ای یافته است؛ قرن‌هاست سیرهٔ همیشگی بزرگان شیعه و اولیای خدا بوده است. آشکار است که در پس این دعوت، حقیقت و توجهی خاص از عالم بالا در میان است.

روایت‌های بسیاری دربارهٔ ثواب زیارت امام حسین علیه السلام وارد شده است که شامل زیارت اربعین نیز می‌شود. برای نمونه، امام صادق علیه السلام در فضیلت زیارت اباعبدالله الحسین علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ فِي جِوَارِ نَبِيِّهِ ﷺ وَ جِوَارِ
عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ فَلَا يَدْعُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ
عَلِيٍّ.^۱

کسی که بخواهد در کنار پیامبر ﷺ، علی ﷺ و
فاطمه ﷺ باشد، زیارت کربلا را رها نمی‌کند.

در روایتی دیگر، راوی می‌گوید که امام
صادق ﷺ از من پرسید:

يَا شِهَابُ كَمْ حَجَجْتَ مِنْ حِجَّةٍ - فَقُلْتُ تِسْعَةَ
عَشَرَ حِجَّةً فَقَالَ لِي تَمَّمَهَا عَشْرِينَ حِجَّةً
تُحْسَبُ لَكَ بِزِيَارَةِ الْحُسَيْنِ ﷺ.^۲

«چقدر حج انجام داده‌ای؟» عرض کردم:
نوزده بار. حضرت فرمودند: «به بیست حج
برسان تا یک زیارت امام حسین ﷺ برای تو
نوشته شود.»

محمد بن مروان از امام صادق ﷺ نقل می‌کند
که شنیدم از امام ﷺ که فرمود: «زیارت کنی
حسین ﷺ را اگرچه در سال یک بار باشد.» تا
اینکه فرمود:

۱. جعفر بن محمد بن قولویه، کامل الزیارات، ترجمه محمد جواد
ذهنی تهرانی، تهران، پیام حق، ۱۳۷۷، ص ۱۳۷؛ محمدباقر
مجلسی، بحار الأنوار، همان، ج ۹۸، ص ۶۶.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱۴، ص ۴۴۹.

همانا خداوند چهار هزار ملک بر قبر امام حسین علیه السلام گماشته، تمامشان گریه می‌کنند و زائر حسین علیه السلام را مشایعت می‌کنند تا هنگامی که نزد خانواده‌اش برسد. اگر مریض شود، عیادتش می‌کنند و اگر بمیرد، در تشییع جنازه‌اش حاضر می‌شوند و برایش استغفار می‌کنند و بر او رحمت می‌فرستند.^۱

در کنار این روایت‌ها، که به صورت مطلق در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام وارد شده است، در روایت‌های معصومان علیهم السلام به فضیلت زیارت روز اربعین سیدالشهدا علیه السلام تصریح و سفارش ویژه شده است. امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید:

عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ إِحْدَى وَخَمْسِينَ
وَزِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَالتَّخْتُّمُ فِي الْيَمِينِ وَتَغْفِيرُ
الْجَبِينِ وَالْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^۲

پنج چیز علامت مؤمن است: ۵۱ رکعت

۱. «إِنَّ اللَّهَ وَكُلَّ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَكٍ شُعْنًا غُبْرًا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ يَشْعُونَ مَنْ زَارَهُ يَعُودُونَهُ إِذَا مَرِضَ وَ يَشْهَدُونَ جِنَازَتَهُ إِذَا مَاتَ» (جعفر بن محمد بن قولویه، همان، ص ۱۹۰).

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، همان، ج ۹۵، ص ۳۴۸.

نماز [در شبانه‌روز]، زیارت اربعین، انگشتی در دست راست کردن، پیشانی به خاک مالیدن و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را در نماز آشکارا گفتن.^۱

حضرت آیت‌الله جوادی آملی در اشاره به اهمیت زیارت اربعین در ذیل این روایت می‌فرماید:

۱. حضرت آیت‌الله جوادی آملی در توضیح روایت می‌فرماید: «مراد از نماز ۵۱ رکعت، همان هفده رکعت نماز واجب روزانه به اضافه نمازهای نافله است که جبران‌کننده نقص و ضعف نمازهای واجب است؛ به‌ویژه اقامه نماز شب در سحر که بسیار مفید است. نماز ۵۱ رکعت به شکل یادشده از مختصات شیعیان و ارمغان معراج رسول خدا ﷺ است. شاید راز ستودن نماز به وصف معراج مؤمن این باشد که دستور آن از معراج آمده است و نیز انسان را به معراج می‌برد. موارد دیگری نیز که در روایت یادشده، همگی از مختصات شیعیان است؛ زیرا تنها شیعه است که سجده بر خاک دارد و نیز غیر شیعه است که یا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را نمی‌گویند یا آهسته تلفظ می‌کنند. همچنین شیعه است که انگشتر به دست راست کردن و نیز زیارت اربعین حسینی را مستحب می‌داند» (عبدالله جوادی آملی، شکوفایی عقل در نهضت حسینی، قم، اسراء، ۱۳۹۳، ص ۲۸).

اهمیت زیارت اربعین تنها به این نیست که از نشانه‌های ایمان است؛ بلکه طبق این روایت، در ردیف نمازهای واجب و مستحب قرار گرفته است. برپایه این روایت، همان‌گونه که نماز ستون دین و شریعت است، زیارت اربعین و حادثه کربلا نیز ستون ولایت است. به دیگر سخن، براساس فرموده رسول خدا ﷺ عصاره رسالت نبوی ﷺ قرآن و عترت است؛ «إنی تارک فیکم الثقلین... کتاب الله و... عترتی اهل بیتی» عصاره کتاب الهی که دین خداست، ستونی دارد که نماز است و عصاره عترت نیز ستونش زیارت اربعین است که این دو ستون در روایت امام عسکری علیه السلام در کنار هم ذکر شده است؛ ولی مهم آن است که دریابیم نماز و زیارت اربعین انسان را چگونه متدین می‌کنند.^۱

شاید این پرسش مطرح شود که چرا چنین زیارتی در این روز مستحب شمرده شده است. مرحوم علامه مجلسی در کتاب «زاد المعاد» می‌نویسد:

۱. همان.

چون جابر که از بزرگان صحابه بود، اساس این کار را گذاشت، شاید دلیل فضیلت زیارت آن حضرت در این روز شده باشد؛ ولی با این حال، احتمال می‌دهد وجوه دیگری داشته باشد که بر ما مخفی است.^۱

به نظر می‌رسد که نمی‌تواند این همه اهتمام نسبت به زیارت اربعین و آن را از علائم مؤمن شمردن و نقل زیارت‌نامه‌ای مخصوص از سوی امام صادق علیه السلام، به صرف زیارت آن حضرت از سوی جابر بن عبدالله انصاری در اربعین باشد؛ به ویژه آنکه زیارت اربعین خاص امام حسین علیه السلام است و درباره هیچ‌یک از دیگر معصومان چنین زیارتی وارد نشده است. بنابراین، به نظر می‌رسد که این همه اهمیت زیارت اربعین نه به خاطر زیارت آن حضرت توسط جابر بن عبدالله انصاری در چنین روزی است، بلکه به سبب الحاق سرهای شهدا در این روز توسط امام سجاد علیه السلام و زیارت آن قبور پاک،

۱. محمدباقر مجلسی، زادالمعاد، تحقیق علاءالدین اعلمی، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ق، ص ۴۰۲.

توسط امام و کاروان حرم حسینی در اربعین است. چنان‌که این حقیقت در بیان برخی از بزرگان نیز مورد اشاره قرار گرفته است. مرحوم علامه مجلسی در زادالمعاد می‌نویسد:

مشهور آن است که سبب تأکید زیارت آن حضرت در این روز، آن است که امام زین‌العابدین علیه السلام با اهل‌بیت در این روز بعد از بازگشت از شام به کربلای معلی وارد شدند و سرهای مطهر شهدا را به بدن‌های ایشان ملحق کردند.^۱

در نتیجه، باتوجه‌به این نکته که اربعین فی حدّ نفسه امتیازی ندارد، آن‌گونه که شب‌های جمعه و نیمه شعبان و شب‌های قدر و عیدین و عرفه، بر دیگر ایام و لیالی امتیاز دارند، باید در اربعین امام حسین علیه السلام حادثه و ویژه‌ای اتفاق افتاده باشد که آن را از روزهای دیگر ممتاز ساخته باشد. این جز با الحاق سرهای شهدا به بدن‌هایشان و زیارت قبور شهدا توسط امام سجاد علیه السلام و کاروان همراه، نمی‌تواند باشد.^۲

۱. همان.

۲. سعید داودی و مهدی رستم‌نژاد، همان، ص ۶۲۹.

ب) پیام‌ها و درس‌های زیارت اربعین (مروری بر فرازهای مهم زیارت اربعین)

زیارت اربعین، همچون زیارت عاشورا و زیارت وارث، از مضامین انسان‌ساز و پرمحتوایی برخوردار است. این زیارت نوعی «تجدید میثاق» با امام حسین علیه السلام و اهل بیت و امامان معصوم علیهم السلام است. در بخش‌های گوناگون این زیارت والا، فرد زائر ضمن شهادت به بزرگی حضرت، فلسفه نهضت حسینی و اهداف قیام خونین عاشورا را بازگو می‌کند. همچنین، خواننده زیارت اربعین همبستگی خود را با امام علیه السلام و دوستان او و نیز دشمنی‌اش را با دشمنان امام تا روز قیامت بیان می‌دارد و از خداوند متعال می‌خواهد زندگی و مرگش را در پیروی از محمد صلی الله علیه و آله و سلم قرار دهد. در ادامه زیارت، بر اجرای وظایف بندگی از سوی امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش تأکید می‌کند و بر قاتلان ایشان لعنت و نفرین می‌فرستد. پایان بخش روایت نیز اعلام بر پیروی از امام معصوم علیه السلام و صلوات بر آن بزرگواران است. پس از بیان این کلیات، به

برخی از محورهای مهم زیارت اربعین اشاره می‌کنیم.

مروری بر اعتقادات مهم تشیع

در زیارت اربعین بسیاری از باورهای عمیق تشیع خلاصه شده است. اینکه سفارش بسیار شده است که زیارت اربعین خوانده شود، یک وجه آن مرور بر اعتقادات بر حق و زنده نگه داشتن آنها در طول تاریخ است. از جمله باورها و اعتقادات، که در زیارت اربعین مرور می‌شود، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. انتصابی بودن امام علیه السلام: زیارت اربعین، امام علیه السلام را برگزیده و حبیب خدا معرفی می‌کند و تصریح دارد امامت مقام و منصبی است که خداوند تعالی به امام ارزانی داشته است و چنین پیشوایی جلوه دین خداست و چنین کسی ارزش پیروی و اطاعت دارد:

اللَّهُمَّ انى اشهد أنه وليك، وابنُ وليك،
 وَصْفِيكَ وَابْنُ صَفِيكَ، الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ،
 اَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ، وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ، وَاجْتَبَيْتَهُ
 بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ، وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ،

وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ، وَذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ، وَاعْطَيْتَهُ
مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ، وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ
مِنَ الْأَوْصِيَاءِ.^۱

خدایا، گواهی می‌دهم که او به‌یقین ولیّ تو و
فرزند ولیّ تو و برگزیده تو و فرزند برگزیده
توست، که به بزرگداشت توستگار شده
[است]. او را با مقام شهادت گرامی داشتی و
به نیکبختی مخصوصش ساخته، و به پاکی
ولادت برگزیدی. او را آقایی از میان بزرگان و
پیشوایی از میان پیشوایان، و مدافعی از
مدافعان حق، قرار دادی و میراث پیامبران را
به او عطا کردی، و او را حجت بر مخلوقات از
میان جانشینان قرار دادی.

۲. لزوم معصوم بودن ائمه اطهار علیهم‌السلام: نکته

بعدی در زیارت اربعین، تصریح به عصمت امام
معصوم علیه‌السلام است که از باورهای اختصاصی
شیعیان اثنی‌عشری است؛ چراکه اقتضای مقام
امامت و رسالت او، ایجاب می‌کند که امام
نه تنها در مقام رفتار، بلکه در علم نیز مصون از
خطا و اشتباه باشد:

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، همان، ج ۹۸، ص ۳۳۱.

يَا بِي أَنْتَ وَآمِي يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ
كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ، وَالْأَرْحَامِ
الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجَّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا، وَلَمْ
تُلْبَسْكَ الْمُذْلِهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا.^۲

پدر و مادرم فدای تو ای فرزند رسول خدا،
گواهی می‌دهم که تو نوری در صلب‌های
بلندمرتبه و رحم‌های پاکیزه بودی، که دوران
جاهلیت با ناپاکی‌هایش تو را آلوده نساخت و
با لباس‌های آلوده‌اش تو را نپوشانید.

۳. حتمی بودن تحقق وعده الهی: خداوند متعال

بارها در قرآن کریم، آشکارا وعده داده است که اگر
کسی در راه خدا و در راه دین کوشش کند، او را
یاری خواهد داد؛^۳ این وعده الهی است. انسان
مؤمن باید نسبت به وعده‌های الهی معتقد باشد و
به آنها اعتماد کند. حقیقتی که در زیارت اربعین نیز
بر آن تصریح و تأکید می‌شود:

۱. در تهذیب الاحکام و مصباح المتهدّج، به جای «المطهرة»
الطاهرة آمده است.

۲. محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، همان، ج ۶،
ص ۱۱۴.

۳. آل عمران (۳)، آیه ۶۰.

أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِرٌ مَا وَعَدَكَ وَمُهْلِكٌ مَنْ
خَذَلَكَ وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ.^۱

گواهی می‌دهم خداوند به آنچه به تو وعده داده است، وفا کرد و آن که را دست از یاری‌ات کشید، هلاک کرد و آن کس تو را به شهادت رساند، را عذاب کرد.

۴. اعتقاد به غیبت امام عصر علیه السلام: اعتقاد به

غیبت امام زمان علیه السلام باور دیگری است که در فرازی از زیارت اربعین بدان اشاره شده است: «وَسَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ، وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ؛^۲ به آشکار و نهان شما، و ظاهر شما و غایب شما، اعتقاد دارم.»

۵. اعتقاد به رجعت امامان علیهم السلام: رجعت یکی از

آموزه‌های مهم شیعه دوازده امامی به شمار می‌آید که اعتقاد به آن از ضروریات مذهب امامیه است. شیعه براساس روایات، به بازگشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام به دنیا باور دارد. باوری که ائمه اطهار علیهم السلام همواره بر آن به عنوان

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، همان، ج ۹۸، ص ۳۳۱.

۲. همان.

اعتقادی اصیل تأکید می‌کردند و در فرازی از زیارت اربعین نیز بدان تصریح شده است:

وَاشْهَدُ اَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِايَابِكُمْ مُوقِنٌ.^۱

گواهی می‌دهم که به شما ایمان دارم و به واسطه قوانین دینم و عواقب عملم به بازگشت شما مطمئنم.

معرفی و ترسیم سیمای ابا عبدالله الحسین علیه السلام در دوران حکومت اموی، تهاجم تبلیغاتی حزب اموی بر چهره تابناک عترت، نقاب تاریک آویخته بود و در شامات، موقعیت عترت به صورت فراگیر مخدوش شده بود. در آن زمان، کنار زدن آویخته‌های حزب اموی از چهره عترت به دست توانمند سیدالساجدین علیه السلام شکل گرفت؛ آن‌گونه که چهره پرفروغ عترت دوباره درخشش یافت و نفاق پنهانی بنی امیه آشکار شد. این کینه‌ورزی‌ها و دشمنی‌ها هنوز هم نسبت به ساحت اهل بیت علیهم السلام وجود دارد.

امروزه، عده‌ای نسبت به جایگاه بلند

اهل بیت علیهم السلام جاهل اند و عده‌ای دیگر از روی دشمنی و کینه‌ورزانه برای مخدوش کردن چهره تابناک اهل بیت علیهم السلام گام برمی‌دارند. این ضرورت استمرار حرکت امام سجاد علیه السلام در دوره کنونی را آشکار می‌سازد. یکی از جنبه‌های مهم زیارت اربعین، توجه به این بُعد مهم است. زیارت اربعین همچون بسیاری از زیارت‌نامه‌های دیگر با «سلام» آغاز می‌شود که نشانه دوستی و محبت انسان زائر نسبت به اولیای دین است و مخاطب این سلام، با اوصاف و لقب‌هایی یاد می‌شود که هر کدام بُعدی از ابعاد شخصیت سیدالشهدا علیه السلام را نشان می‌دهد. در این زیارت، از امام حسین علیه السلام با عنوان‌هایی همچون ولی خدا، حبیب خدا، خلیل خدا، برگزیده خدا، شهید مظلوم، گرفتار رنج‌ها و مصیبت‌ها و کشته اشک‌ها یاد می‌شود.

پس از بیان این صفت‌ها و مقام‌ها، زائر در پیشگاه خدا شهادت می‌دهد که آن امام شهید ولی خدا و فرزند ولی خدا و صفی پروردگار و فرزند صفی خداست. این گواهی، عمق ایمان و

باور زائر را نشان می‌دهد و این اعتقادات را در جان او می‌نشانند.

تولی نسبت به سیدالشهدا علیه السلام

اساس آفرینش بر «عشق و محبت» پی‌ریزی شده است چنان‌که در حدیث قدسی آمده که پروردگار یکتا فرموده است:

كُنْتُ كَنْزاً مَخْفِياً فَاحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ
فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أُعْرَفَ.^۱

من گنج پنهانی بودم و دوست داشتم که شناخته شوم، از این رو آفریده‌ها را آفریدم تا شناخته شوم.

اسلام، که تنها دین مقبول آفریدگار است، نیز چیزی جز عشق و محبت نسبت به خدا و دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا نیست، چنان‌که امام باقر علیه السلام فرمود: «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ؛^۲ آیا دین، جز دوستی و دشمنی است؟»

از این رو، هرچه انسان مؤمن‌تر باشد، عاشق‌تر

۱. جعفر بن محمد علیه السلام [امام ششم]، مصباح الشریعه، ترجمه و

شرح عبدالرزاق گیلانی، تهران، پیام حق، ۱۳۷۷، ص ۱۰۸.

۲. عباس قمی، سفینه البحار، قم، اسوه، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۵۸۰.

است و سراپای وجود مؤمنان واقعی را عشق به خدا پر کرده است: «...الَّذِينَ آمَنُوا اشْدُّ حُبًّا لِلَّهِ...»^۱ آنان که ایمان آورده‌اند، شدیدترین علاقه را به خدا دارند.»

باتوجه به اینکه دودمان وحی را به زیور عصمت آراسته‌اند، و هرگز برخلاف خواست خدا کاری انجام نمی‌دهند، تولی و تبری آنها میزان ایمان شناخته شده است. جهت عقربه دوستی مؤمن همواره باید به سوی آنان باشد، همان‌گونه که عقربه بیزاری و دشمنی مؤمن باید به سوی مخالفان این خاندان بچرخد. حقیقتی که در زیارت اربعین این‌گونه بازتاب یافته است:

اللَّهُمَّ اِنِّى اَشْهَدُكَ اَنِّى وَاَلِىٌّ لِمَنْ وَاَلَاةٌ، وَعَدُوٌّ
لِمَنْ عَادَاةٌ.^۲

خدایا تو را به شهادت می‌گیرم که با هر کس که در ولایت حسین بن علی علیه السلام است با او در ولایت هستم و با هر کس که با او در عداوت است، در عداوت هستم.

۱. بقره (۲)، آیه ۱۶۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، همان، ج ۹۸، ص ۳۳۱.

پیام اربعین این است که انسان نباید در میدان‌های مبارزه حق و باطل در هیچ زمان و مکانی، بی‌توجه باشد، بلکه باید به یاری حق و تولاّی ولیّ خدا قیام کند و از پیروان باطل و مخالفانِ امام، تبری بجوید. تا شهادتی که در زیارت اربعین می‌دهد، راست باشد، نه دروغ و شعار؛ به‌ویژه که خدا را بر این شهادتش گواه می‌گیرد. البته اینکه زائر ابا عبدالله علیه السلام خدا را شاهد و گواه بر این محبت و تولی خود می‌گیرد، نه تنها در زبان و الفاظ به این محبت اعتراف می‌کند، بلکه برای محقق شدن قضیه به شهادت خدا متوسل می‌شود و از او برای این مهم یاری می‌جوید؛ چراکه اگر خدا چیزی را شهادت داد، یعنی محقق است، یا محقق بوده یا محقق خواهد شد.

وقتی خداوند به امری شهادت می‌دهد، یعنی مساوی است با تحقق آن امر. یعنی تحقق این امر را از خداوند می‌خواهیم و اگر خداوند همین لحظه ما را شهادت بدهد، این لحظه محقق و تثبیت خواهد شد. البته این با تلاش و همت

انسان منافاتی ندارد، بلکه او موظف به تحقق الزامات تولی و تبری است که مهم‌ترین پایه آن، محبت قلبی است؛ چراکه محبت قلبی نسبت به هرکس، گرایش قلبی به او را نیز در پی دارد و گرایش قلبی نیز به‌طور طبیعی، به همانندسازی با محبوب و الگوسازی او در اخلاق و رفتار می‌انجامد.

بیان فلسفه قیام امام حسین علیه السلام

بیان فلسفه و چرایی قیام امام حسین علیه السلام از دیگر مواردی است که در زیارت اربعین به آن اشاره شده است. در فرازی از زیارت آمده است که امام حسین علیه السلام خون قلبش را در راه خدا داد (و نهایت ایثار و فداکاری را کرد) تا بندگان خدا را از جهل و نادانی و حیرت و سرگردانی نجات دهد: «وَبَدَّلَ مُهْجَتَهُ فَيْكٍ حَتَّى اسْتَنْقَذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ.»^۱

این فراز از زیارت اربعین یکی از مهم‌ترین فلسفه‌های قیام جهانی امام حسین علیه السلام را نجات

بشریت از جهالت و حیرت ضلالت و گمراهی معرفی می‌کند. چنان‌که همین مطلب در فلسفه بعثت رسول اکرم ﷺ نیز آمده است. امیر مؤمنان، علی علیه السلام می‌فرماید:

فَهَدَاهُمْ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَأَنْقَذَهُمْ بِمَكَانِهِ مِنَ
الْجَهَالَةِ^۱

خدا به وسیله پیغمبر دو کار کرد: نخست اینکه مردم را با فرهنگ و باسواد کرد و دوم اینکه از ضلالت و گمراهی آن را بیرون ساخت.

حضرت آیت‌الله جوادی آملی هدف قیام امام حسین علیه السلام را همان هدف رسالت پیامبر اکرم ﷺ می‌داند و می‌فرماید:

در زیارت اربعین، هدف قیام امام حسین علیه السلام همان هدف رسالت نبی اکرم ﷺ دانسته شده است. براساس قرآن و نهج البلاغه، هدف رسالت انبیای الهی، دو چیز است: یکی عالم کردن مردم و دیگری عاقل کردن آنها با تهذیب نفس. کسانی که علم ندارند، دستور خدا را نمی‌دانند و توان تربیت خود

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱.

یا دیگران را ندارند. برخی نیز عالم‌اند، ولی بر اثر نداشتن عقل به دانش خود عمل نمی‌کنند. از این‌رو، انبیا علیهم‌السلام برای تعلیم و نیز تزکیهٔ مردم مبعوث شده‌اند که به مردم خوبی‌ها را بشناسانند و راه خوب را به آنان بنمایانند تا مردم خوب بفهمند و به خوبی‌ها عمل کنند. امام حسین علیه‌السلام نیز که به حساب ملکوت و اتصال نور وجودی، از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و صاحب ولایت، «حسین منّی و أنا من حسین» باید مردم را عالم و عادل کند؛ یعنی احکام و دستورها و معارف دین را به آنان بیاموزاند و آنان را اهل عمل کند. همهٔ اهل بیت علیهم‌السلام این وظیفه را به‌عهده داشتند و با تدریس، ارشاد، سخنرانی و نوشتن نامه به وظیفهٔ خود عمل می‌کردند؛ ولی سیدالشهدا علیه‌السلام افزون بر کارهای یادشده، به‌دلیل یأس از تأثیر اساسی این ابزار، در شرایطی قرار گرفت که خون جگر خود را نیز برای دستیابی به هدف اعطا کرد. تنها آن حضرت علیه‌السلام بود که هم مبارزهٔ فرهنگی و سیاسی و اجتهادی داشت، هم نبرد جهادی. چنان‌که در زیارت اربعین آن حضرت می‌خوانیم: «فَاعْذَرِ فِي الدُّعَاءِ وَمَنْحِ النَّصْحِ، وَبَدَلِ مُهْجَتَهُ فَيَكِ

لِیَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ
 الضَّلَالَةِ.» یعنی آن حضرت علیه السلام با اتمام حجت
 بر خلق، هر عذری را از امت رفع کرد و آنان
 را با مهربانی پند و اندرز داد و خون پاکش را
 در راه تو، ای خدا، نثار کرد تا بندگان را از
 نادانی و سردرگمی و گمراهی رهایی
 بخشد.^۱

آری، امام حسین علیه السلام برای بیداری و آگاهی
 مردم قیام کرد، ولی خواب آنها چنان عمیق، و
 جهل و ناآگاهی شان چنان ریشه‌دار بود که جز
 خون قلب امام علیه السلام و یاران وفادارش این آفت مهم
 را از مزرعهٔ اسلام دور نساخت. پس بر عاشقان
 امام حسین علیه السلام و عزاداران سرور و سالار شهیدان و
 مشتاقان زیارت کربلای معلی و خوانندگان
 زیارت اربعین و متوسلان به عنایات شهدای
 کربلا، لازم است در کنار توسل و زیارت و
 عزاداری و عشق به آن پاکان سرفراز، در راه
 بیداری جامعهٔ خود از خواب غفلت و ناآگاهی
 بکوشند.

اکنون نیز یزیدیان و پیروان حکومت بنی‌امیه

۱. عبدالله جوادی آملی، همان، ص ۲۳۲-۲۳۳.

در سراسر جهان، به ویژه کشورهای اسلامی، وجود دارند و در مسیر جاهل نگه داشتن مردم کوشش می‌کنند. امروز نیز مسلمانان و مستضعفان جهان گرفتار سلطه‌های ستمگرند و برخی هم در راه نجات خویش، مبارزه می‌کنند و فریاد دادخواهی آنان بلند است. رسالت پناه دادن و یاری رساندن وظیفه عاشوراییان است که به کمک آنان بشتابند. بنابراین، همه ما نسبت به بیداری و آگاهی بخشی، که خود جهاد بزرگی است، وظیفه داریم. آیا آن دسته از دولتمردان به ظاهر اسلامی، که با دشمنان شماره یک مسلمانان، امریکا و اسرائیل، هم‌پیمان شده و در جبهه آنها قرار گرفته و علیه مسلمانان مظلوم فلسطین، غزه، عراق و افغانستان، یمن، سوریه موضع‌گیری می‌کنند، در صورت بیداری ملت‌هایشان به ادامه ظلم و جنایت قادر خواهند بود؟^۱

۱. ر.ک. ناصر مکارم شیرازی، اهداف قیام حسینی، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان‌نژاد، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۹، ص ۷۳، (با اندکی تصرف و تغییر).

امروزه، دشمن در جنگ ترکیبی همه‌جانبه و در بالاترین سطح و در ابعاد گسترده با امپراطوری رسانه‌ای خود تهاجم و جنگ روانی بی‌سابقه‌ای را علیه انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی، آغاز کرده و در حال پیشروی در محیط افکار عمومی کشور است؛ بنابراین، اکنون پرداختن به این رسالت اهمیت مضاعفی دارد. از این روست که امام خامنه‌ای «اَمَّ ظَلَّةً» مسئله جهاد تبیین را مطرح کرده‌اند و اهتمام جدی به آن را خواستار شده‌اند. معظم‌له در بیانی می‌فرمایند:

به مسئله «تبیین» اهمیت بدهید. خیلی از حقایق هست که باید تبیین بشود. در قبال این حرکت گمراه‌کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است و تأثیرگذاری بر افکار عمومی، که یکی از هدف‌های بزرگ دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است، و دچار ابهام‌نگاه داشتن افکار و رها کردن اذهان مردم و به خصوص جوان‌ها، «حرکت تبیین» خنثی‌کننده این توطئه دشمن و این حرکت دشمن است. امروز خوشبختانه، میدان باز است برای انتشار افکار. این فضای عمومی

در کنار مشکلاتی که ممکن است به وجود بیاورد، برکات بزرگی هم دارد؛ می‌توانید افکار درست را، افکار صحیح را منتشر کنید، پاسخ به اشکالات را، پاسخ به ابهام‌آفرینی‌ها را در این فضا با استفاده از این امکان منتشر کنید و می‌توانید در این زمینه به معنای واقعی کلمه جهاد کنید.^۱ امروز روشنگری دینی مهم‌ترین زرهی است که جامعه اسلامی ما می‌تواند بر تن خودش بکند و در مقابل حملات دشمن بایستد.^۲ جهاد تبیین یک فریضه است. جهاد تبیین «یک فریضه قطعی و یک فریضه فوری» است و هر کسی که می‌تواند [باید اقدام کند].^۳

۱. بیانات امام خامنه‌ای دامنه‌ای در پایان مراسم اربعین حسینی،

۱۴۰۰/۷/۵، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech->

[content?id=48746](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=48746).

۲. بیانات امام خامنه‌ای دامنه‌ای در دیدار جمعی از روحانیون

استان کرمان، ۱۳۸۴/۲/۱۱، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3279>.

۳. بیانات امام خامنه‌ای دامنه‌ای در دیدار با فرماندهان و کارکنان

نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش، ۱۴۰۰/۱۱/۱۹، دسترسی

در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49572>.

توصیف ویژگی‌های دشمنان سیدالشهدا علیه السلام و اهداف پلید آنها از جنایت کربلا

در فراز دیگری از زیارت اربعین، برخی از ویژگی‌های مخالفان و دشمنان سیدالشهدا علیه السلام و به هدف آنها از دست زدن به چنین جنایت وحشیانه‌ای اشاره شده است؛ ویژگی‌هایی که ریشه و منشأ گمراهی و ارتجاع امت اسلام را باید در آنها جست‌وجو کرد و از آنها درس عبرت آموخت و از آلوده شدن به آنها پرهیز کرد. تعبیری چون: «عَرَّتْهُ الدُّنْيَا؛ فریب‌خوردگان دنیا»، «وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَزْدِلِ الْأَدْنَى، وَشَرَى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكِسِ؛ فروشنندگان و معامله‌کنندگان آخرت به متاع ناچیز و بی‌ارزش دنیا»، «وَوَتَرَدَى فِي هَوَاهُ؛ پیروی‌کنندگان از هوای نفس»، «وَأَسْحَطَكَ وَأَسْحَطَ نَبِيكَ؛ به خشم‌آوردندگان خدا و رسول او»، «وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارِ؛ پیروان منافقان و تفرقه‌افکنان و گناهکاران» از جمله توصیفاتی است که در این زیارت از قاتلان سیدالشهدا علیه السلام با آنها یاد می‌شود. بی‌شک برای استمرار نهضت عاشورا و

زنده نگه داشتن ارزش های دینی و انسان و نجات انسان از جهالت و گمراهی باید از این اوصاف خانمان سوز و گمراه کننده و هم دارندگان این اوصاف خودداری کرد؛ چراکه به تعبیر امام خامنه ای **«اَمَّ ظَلَمَةَ»**:

بشریت همیشه دستخوش شیطنت شیطان هاست. همیشه شیطان های بزرگ و کوچک، برای تأمین هدف های خود، انسان ها و توده های مردم و ملت ها را قربانی می کنند... باید به بشر کمک کرد؛ باید به بندگان خدا یاری رساند تا بتوانند خود را از جهالت نجات بدهند و از سرگردانی و گمراهی خلاص بشوند... چه کسی می تواند این دست نجات را به سوی بشریت دراز کند؟ آن کسانی که چسبیده به مطامع و هوس ها و شهوت ها باشند، نمی توانند؛ چون خودشان گمراه اند. آن کسانی که اسیر خودخواهی ها و منیت ها باشند، نمی توانند بشر را نجات بدهند. باید کسی پیدا بشود و خودشان را نجات بدهد، یا لطف خدا به سراغ آنها بیاید تا اراده آنها قوی بشود و بتوانند خودشان را رها کنند. آن کسی می تواند بشر را نجات بدهد که

دارای گذشت باشد، بتواند ایثار کند و از شهوات بگذرد، از منیت و خودپرستی و خودخواهی و حرص و هوا و حسد و بخل و دیگر گرفتاری‌هایی که معمولاً انسان دارد، بیرون بیاورد، تا بتواند شمعی فراراه بشر روشن کند.^۱

تبری از دشمنان سیدالشهدا علیه السلام

یکی دیگر از مباحثی که در زیارت اربعین بسیار پررنگ است، بحث تبری و دشمنی با دشمنان سیدالشهدا علیه السلام که در پی دشمنی با دشمنان خداست. بیزاری و برائت از دشمنان خدا و اهل بیت علیهم السلام اصل مهم اعتقادی و تکلیف دینی است. تکلیفی که براساس آموزه‌های دینی، بهترین اعمال و دوست‌داشتنی‌ترین آنهاست. چنان‌که در حدیثی آمده است که خداوند به حضرت موسی علیه السلام وحی فرستاد آیا هرگز عملی برای من انجام داده‌ای؟ عرض کرد: آری، برای

۱. بیانات امام خامنه‌ای دامنه‌الله در دیدار جمعی از فرزندان ممتاز شاهد و جانبازان، ۱۳۶۹/۶/۲۱، دسترسی در:

تو نماز خوانده‌ام، روزه گرفته‌ام، انفاق کرده‌ام و به یاد تو بوده‌ام. فرمود: ولی نماز برای تو نشانه حق است و روزه سپر آتش و انفاق سایه‌ای در محشر و ذکر نور است. کدام عمل را برای من به‌جا آورده‌ای ای موسی؟ عرض کرد: خداوندا خودت مرا در این مورد راهنمایی فرما؛ فرمود:

هَلْ وَالَيْتَ لِي وَلِيًّا وَ هَلْ عَادَيْتَ لِي عَدُوًّا قَطُّ؟
فَعَلِمَ مُوسَى أَنَّ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ
وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ.^۱

آیا هرگز کسی را به‌خاطر من دوست داشته‌ای، و آیا هرگز کسی را به‌خاطر من دشمن داشته‌ای؟

موسی علیه السلام از این پاسخ، دریافت که بهترین اعمال دوست داشتن و دشمن داشتن در راه خداست.

این اصل دارای چنان اهمیتی است که در آموزه‌های دینی بر مهم بودن و اولویت داشتن آن بر تولی تصریح شده است. از جمله اینکه در قرآن کریم کلمه‌های نفی و براءت جلوتر از ایمان

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، همان، ج ۶۶، ص ۲۵۲.

و ولایت ذکر شده است.^۱ در روایتی وارد شده است که امام علی علیه السلام در حال طواف کعبه بود که دید مردی پرده‌خانه کعبه را گرفته و بر محمد صلی الله علیه و آله و خاندان او صلوات می‌فرستد. حضرت بر او سلام فرمود. بار دیگری که همان فرد بر دشمنان محمد صلی الله علیه و آله و خاندان او لعنت می‌فرستاد، حضرت بر او سلام نکرد. آن شخص علت را پرسید؟ امام علیه السلام فرمودند: نخواستم تو را از ذکر لعنی که می‌گفتی، باز دارم؛ چراکه لعن دشمنان محمد صلی الله علیه و آله و خاندان او از صلوات بر آن حضرات علیهم السلام بالاتر است.^۲ نقل شده است که خیاطی دو جامه دوخت و خدمت امام صادق علیه السلام آورد و عرضه داشت یابن رسول‌الله، یکی از این لباس‌ها را در حالی که صلوات می‌فرستادم، دوخته‌ام و دیگری را در حالی که دشمنان خاندان محمد صلی الله علیه و آله را لعنت می‌کردم دوخته‌ام. امام صادق علیه السلام آن لباس

۱. «فَمَنْ يَكْفُرُ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۵۶).

۲. ابوالحسن مرندی، مجمع النورین، قم، آل عباس علیهم السلام، ۱۳۸۱،

را که با لعنت کردن دوخته شده بود انتخاب کرد و فرمود: «آن را بهتر دوست می دارم.»^۱ شاید یک دلیل برتری این باشد که دوستی و تولی نسبت به محمد و آل محمد ﷺ درجات گوناگونی دارد که سرانجام به جایی می رسد که موجب بیزاری و دشمنی با دشمنان می شود. به تعبیری دیگر، محبت در مراتب عالیه به برائت می رسد و این خود نشانگر این حقیقت است که تبری نسبت به تولی از منزلت برتری برخوردار است.

برائت تنها به این نیست که آدمی از ظالمان و ستمگران رویگردان باشد، بلکه باید با اظهار بیزاری از آن و هر کسی که به گونه ای با ظلم و ستم همراه است، نیز همراه باشد؛ از این رو، کسانی که به طور مستقیم به اهل بیت علیهم السلام ستم کرده اند یا ستمگران را یاری داده اند و یا به ستم بر آنان راضی باشند، هر سه گروه در ستم

۱. ابوالفضل تهرانی، شفاء الصدور، تهران، مرتضوی، ۱۳۸۳،

سهیم‌اند و دوری و بیزاری جستن از آنها نیز لازم است. از زیارت اربعین استفاده می‌شود که برائت از ظالمان و ستمگران به این است که زائر آنها لعنت کند؛ هم لعن زائر بر قاتلان و کافران و هم درخواست لعن الهی بر آنان که نمونه‌اش در این زیارت وارد شده است: «اللَّهُمَّ فَالْعَنَّهُمْ لَعْنًا وَبِيلاً.»

بنابراین، همان‌گونه ما وظیفه داریم با ظلم و گناه مبارزه کنیم، باید آشکارا بر دشمنان خدا و حق لعنت بفرستیم. روشن است درخواست لعنت و عذاب خدا بر جنایتکاران عاشورا، روح معادات و تبری را می‌رساند و زائر را در خط دشمنی با دشمنان خدا و پیامبر ﷺ، ثابت‌قدم‌تر می‌سازد.

ضرورت پیروی از امام و الگو قرار دادن او در زندگی یکی از برکت‌های ائمه اطهار علیهم‌السلام این است که مردم به گفتار و رفتار آنان تأسی می‌کنند. درحقیقت، معنای امام همین است؛ او قدم پیش می‌گذارد و معتقدان به امامت او از همه گفتارها و رفتارهایش الگو می‌گیرند. در روایت‌ها و

دعاهای گوناگون، به اسوه بودن امامان علیهم السلام فراوان اشاره شده است. در زیارت اربعین نیز بر ضرورت تاسی و پیروی از ائمه اطهار علیهم السلام به زائر تأکید شده است. شیعه و پیرو واقعی امام کسی است که به این اصل اعتقاد قلبی دارد و در عرصه عمل نیز به طور مطلق در برابر پیشوایان دینی تابع و تسلیم است؛ به طوری که همواره نظر آنها را بر نظر خود ترجیح می‌دهد، آنها را الگو و اسوه زندگی خودش قرار می‌دهد و همواره خود را آماده یاری آنها می‌کند:

وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ،
بِشَرَايِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي، وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ
سِلْمٌ، وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ
مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ
عَدُوَّكُمْ.^۱

و گواهی می‌دهم که به شما ایمان دارم و به واسطه قوانین دینم و عواقب عملم به بازگشت شما مطمئنم و دلم تسلیم دل شما و عملم پیرو عمل شماست، و آماده یاری شمایم تا اینکه خداوند به شما اجازه دهد،

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، همان، ج ۹۸، ص ۳۳۱.

پس آن‌که با شماس‌ت با شماس‌ت، نه با دشمنان شما.

زنده نگه داشتن روحیه جهاد و شهادت

جهاد و شهادت در فرهنگ اسلامی از ارزش والایی برخوردار است. خداوند در قرآن کریم رغبت به جهاد را در ردیف دوستی خدا و پیامبر اکرم ﷺ قرار داده است و می‌فرماید:

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ... أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (توبه: ۲۴).

بگو اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران شما... در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب‌تر است، در انتظار باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند؛ و خداوند جمعیت نافرمان‌بردار را هدایت نمی‌کند.

زنده نگه داشتن روحیه جهاد و شهادت در هر ملت، یکی از راهبردهای حقیقی برای حفظ ارزش‌ها و دستیابی به آرمان‌های آن ملت است. چنان‌که امروز، اقتدار و عزت و سربلندی کشور

و آرامش و آسایش موجود در جامعه مرهون همین روحیه و جان‌فشانی‌های شهدا، جانبازان و آزادگان است. بنابراین، ترویج و گسترش فرهنگ جهاد و شهادت در میان قشرهای گوناگون جامعه، به‌ویژه نسل جوان و نوجوان، بسیار مهم و حیاتی است. در مقابل، کم‌رنگ شدن روحیه جهاد و شهادت موجب ذلت و آینده‌ای حقارت‌آمیز برای جامعه خواهد بود. بی‌شک به‌دلیل همین جایگاه و نقش اساسی روحیه جهاد و شهادت است که در زیارت اربعین، با وجود کوتاه بودن آن، چندین بار از واژه‌های مقدس جهاد و شهادت و جان‌نثاری در راه زنده‌نگه داشتن ارزش‌های الهی سخن به میان آمده است. برای نمونه، در بیان جایگاه فرهنگ شهادت، از آن به‌عنوان نشانه گرامیداشت و اکرام خداوند به امام حسین علیه السلام یاد می‌کند و عرضه می‌دارد: «اَکْرَمَتُهُ بِالشَّهَادَةِ»^۱ او را به‌واسطه شهادت، گرامی داشتی.»

۱. همان.

پ) آثار زیارت اربعین

برای زیارت سیدالشهدا علیه السلام پاداش بسیاری در روایت‌های دینی در نظر گرفته شده است. زیارت اربعین یکی از زیارت‌های معروف برای سیدالشهدا علیه السلام است که از سوی معصومان علیهم السلام برای چهارمین روز شهادت امام حسین علیه السلام وارد شده است. بی‌شک اجر و فضیلتی که برای زیارت امام حسین علیه السلام وارد شده، اگر با شرایطی که در روایات آمده است انجام گیرد، شامل زیارت اربعین نیز می‌شود. در اینجا به تناسب بحث، به‌طور خلاصه به برخی از آثار و برکات زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام اشاره می‌کنیم:

۱. روزی انسان را افزون می‌کند و فقرو فلاکت را از بین می‌برد؛^۱
۲. گناهان زیارت‌کننده بخشیده می‌شود؛ همچون نوزادی که تازه به دنیا آمده است و هیچ گناهی در پرونده ندارد؛^۲

۱. جعفر بن محمد بن قولویه، همان، ص ۴۹۷.

۲. همان، ص ۴۳۲، ۴۴۹ و ۴۹۸.

۳. بر نیکی‌های انسان می‌افزاید؛^۱
۴. شرایط بهشتی شدن انسان را فراهم می‌سازد؛^۲
۵. باعث تسریع ورود انسان به بهشت می‌شود؛^۳
۶. درجات انسان را ارتقا می‌بخشد؛^۴
۷. موجب قبولی دعای انسان می‌شود و
آرزوهایش را برآورده می‌سازد؛^۵
۸. انسان را از آتش دوزخ رهایی می‌بخشد؛^۶
۹. موجبات شفاعت زائر در حق دیگران را
فراهم می‌سازد؛^۷
۱۰. ثواب هزار حج و عمره پذیرفته‌شده را دارد؛^۸

۱. همان، ص ۴۳۳.
۲. همان، ص ۴۳۴.
۳. همان، ص ۴۴۸.
۴. همان، ص ۴۳۵.
۵. همان، ص ۵۵۲.
۶. همان، ص ۴۷۹.
۷. همان، ص ۵۴۷؛ حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک
الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام،
۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۲۵۳.
۸. جعفر بن محمد بن قولویه، همان، ص ۵۰۷.

۱۱. ثواب جهاد در راه خدا و ثواب هزار شهید از شهدای بدر برای انسان نوشته می‌شود؛^۱
۱۲. هزار حسنه برایش نوشته و هزار گناهش بخشیده می‌شود؛^۲
۱۳. معادل ثواب هزار روزه‌دار به انسان اعطا می‌شود؛^۳
۱۴. عمر انسان را طولانی می‌کند و از جوان مرگ شدن و کوتاه شدن عمر انسان جلوگیری می‌کند؛^۴
۱۵. جان و مال انسان را از آسیب و خطر حفظ می‌کند؛^۵
۱۶. خداوند متعال خود و اهلش را حفظ می‌کند تا به خویشانش بازگردد و در روز قیامت، حافظ او خواهد بود؛^۶

۱. همان، ص ۴۶۷.

۲. همان، ص ۴۳۵.

۳. همان، ص ۴۶۸.

۴. همان، ص ۴۹۷.

۵. همان، ص ۴۱۸.

۶. همان، ص ۴۳۶.

۱۷. گرفتاری‌های انسان را برطرف می‌سازد؛^۱
۱۸. در مقابل هزینه‌های مالی که انسان در این راه خرج می‌کند، خداوند هزاران برابر به او اعطا می‌کند؛^۲
۱۹. فرشتگان الهی برای انسان زائر دعا و درخواست آمرزش می‌کنند^۳ و در وقت رفتن او را بدرقه می‌کنند و اگر انسان در راه وفات کند، او را تشییع، غسل و کفن می‌کنند و بر او نماز می‌گذارند؛^۴
۲۰. در بهشت هم صحبت و همسایه در جوار رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام می‌شود و در یک سفره با آنها غذا می‌خورد؛^۵
۲۱. ثواب هزار صدقه پذیرفته‌شده در نامه عمل انسان نوشته می‌شود؛^۶

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، همان، ج ۱۴، ص ۴۲۲.

۲. جعفر بن محمد بن قولویه، همان، ص ۴۰۳.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، همان، ج ۹۸، ص ۲.

۴. جعفر بن محمد بن قولویه، همان، ص ۶۲۱.

۵. همان، ص ۴۶۶.

۶. همان، ص ۴۶۷.

۲۲. خداوند نزد حاملان عرش و فرشتگان مقرب، به زائر امام حسین علیه السلام مباحات می‌کند؛
۲۳. ثواب آزاد کردن هزار بنده در راه خدا به او داده می‌شود؛
۲۴. محبت اهل بیت علیهم السلام را دل انسان تقویت می‌کند؛
۲۵. ایمان انسان را تقویت می‌کند و موجب کمال آن می‌شود؛
۲۶. از فشار قبر و عذاب آن رهایی می‌یابد؛
۲۷. از مکرمین شمرده می‌شود و در زیر پرچم امام حسین علیه السلام قرار می‌گیرد؛
۲۸. از وحشت قیامت در امان است و نامه عمل او به دست راستش داده می‌شود؛
۲۹. رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیر مؤمنان علیه السلام و پیامبران و اوصیا علیهم السلام با او مصافحه می‌کنند؛
۳۰. مشمول دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیر مؤمنان علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام می‌شود؛
۳۱. تا یک سال از هر بلا و آفتی در امان می‌ماند و فرشتگان الهی از شش جهت نگهبان او می‌شوند؛

۳۲. توفیق زیارت و ملاقات رسول خدا ﷺ در روز قیامت را نصیب انسان می کند؛
۳۳. از زائران خدا و رسول او شمرده می شود؛
۳۴. در روز قیامت بر سفره های نور نشاندگی می شود؛
۳۵. سیدالشهدا علیه السلام به جبران زیارتش، او را بعد از مرگ زیارت می کند و او را شفاعت می کند؛^۱
۳۶. جزو فائزین و صادقین شمرده می شود؛^۲
۳۷. جزو هم نشینان و مصاحبان رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام قرار می گیرد؛^۳
۳۸. معادل ثواب زیارت رسول خدا ﷺ برای او نوشته می شود؛^۴
۳۹. خداوند متعال او را در اعلی علیین قرار می دهد؛^۵

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، همان، ج ۱۰۱، ص ۱۶.

۲. جعفر بن محمد بن قولویه، همان، ص ۴۳۱.

۳. همان، ص ۴۴۷؛ محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج

۱۴، ص ۴۲۵.

۴. جعفر بن محمد بن قولویه، همان، ص ۴۹۱.

۵. همان، ص ۴۸۵.

۴۰. بلا، امور بد و شر را از انسان دفع می‌کند؛^۱
۴۱. مشمول استغفار اهل بیت علیهم‌السلام قرار می‌گیرد؛^۲
۴۲. از سختی‌های روز قیامت رهایی می‌یابد؛^۳
۴۳. در عقاید برحق، آرامش قلب و اطمینان خاطر به بار می‌آورد و شبه‌ها و نگرانی‌ها را برطرف می‌کند؛^۴
۴۴. از مرگ‌های ناگوار و شقاوتمندانه مصون می‌دارد؛^۵
۴۵. مشمول رحمت الهی می‌شود؛^۶
۴۶. موجبات شادی و سرور دل اهل بیت علیهم‌السلام را فراهم می‌سازد.^۷

۱. همان، ص ۴۹۴.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱۴، ص ۴۲۳.

۳. جعفر بن محمد بن قولویه، همان، ص ۲۷۸.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، همان، ج ۱۰۱، ص ۸۶.

۵. همان، ج ۱۰۱، ص ۴۸.

۶. جعفر بن محمد بن قولویه، همان، ص ۳۲۸.

۷. حسین بن محمدتقی نوری، همان، ج ۱۰، ص ۳۴۳.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- شریف الرضی، محمد بن حسین. نهج البلاغه،
تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.
- جعفر بن محمد رضی [امام ششم]. مصباح الشریعه،
ترجمه و شرح عبدالرزاق گیلانی، تهران، پیام
حق، ۱۳۷۷.
- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی.
الامالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.
- _____. الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم،
جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
- _____. عیون أخبار الرضا رضی، تهران، جهان، ۱۳۷۸.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. مناقب
آل ابی طالب رضی، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی. اقبال الاعمال، تهران،
دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۹ق.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد. کامل الزیارات، ترجمه
محمد جواد ذهنی تهرانی، تهران، پیام حق، ۱۳۷۷.
- امین، سید محسن. اعیان الشیعه، بیروت،
دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.

- بحر العلوم، محمدمهدی بن مرتضی. رساله سیر و سلوک، مقدمه و شرح سیدمحمدحسین حسینی طهرانی، تهران، علامه طباطبایی، ۱۳۹۲.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری. دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>.
- تهرانی، ابوالفضل. شفاء الصدور، تهران، مرتضوی، ۱۳۸۳.
- جمعی از پژوهشگران. موبک کلمات (ره توشه مناسک اربعین حسینی)، قم، اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه، ۱۳۹۸.
- جوادی آملی، عبدالله. شکوفایی عقل در نهضت حسینی، قم، اسراء، ۱۳۹۳.
- حر عاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.
- حلی، حسن بن یوسف. منتهی الطلب، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۷.
- داودی، سعید و مهدی رستم‌نژاد. عاشورا ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، قم، مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام، ۱۳۸۸.
- سبطن جوزی، یوسف بن قزاوغلی. تذکره الخواص، قم، شریف رضی، ۱۳۷۶.
- طبری، محمدبن جریر. تاریخ طبری، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۴۰۳ ق.

- طوسی، محمدبن حسن. مصباح المتهدجد و سلاح المتعبّد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ق.
- ____. تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد. روضة الواعظین، قم، رضی، ۱۳۷۵.
- قاجار، فرهاد میرزا. قمقام زخار و صمصام بتار، تهران، اسلامیه.
- قمی، عباس. سفینه البحار، قم، اسوه، ۱۴۱۴ق.
- ____. مفاتیح الجنان، تهران، نبوی، ۱۳۸۸.
- کلینی، محمدبن یعقوب. الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب اسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- مجلسی، محمدباقر. بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- ____. زاد المعاد، تحقیق علاء الدین اعلمی، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ق.
- محمدی ری شهری، محمد. میزان الحکمه، قم، دارالحديث، ۱۳۸۷.
- مرندی، ابوالحسن. مجمع النورین، قم، آل عبا، ۱۳۸۱.
- مفید، محمدبن محمد. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- مقرم، سیدعبدالرزاق. سالار کربلا، حسین بن علی، قم، سیدالشهدا، ۱۳۸۲.

مكارم شيرازى، ناصر. اهداف قيام حسيني، تهيه و تنظيم ابوالقاسم عليان نژاد، قم، مدرسه امام علي بن ابي طالب عليه السلام، ١٣٨٩.

نظري منفرد، علي. قصه كربلا، تهران، سرور، ١٣٧٩.
نورى، حسين بن محمدتقى. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ١٤٠٨ق.

هاشمى خوئى، ميرزا حبيب الله. منهج البراعة فى شرح نهج البلاغه، ترجمه حسن حسن زاده آملى و محمدباقر كمره اى، تصحيح ابراهيم ميانجى، تهران، مكتبة الإسلاميه، ١٤٠٠ق.